هفته نامه خبری-فرهنگی

امرداد

بی مرگی و جاودانگی

Amordad

An Iranian weekly Cultural newspaper

Amordad □vol.4□No.96
□Tuesday□June.29.2004
□ 1250 rials

□ ۸ صفحه □ شماره مسلسل ۹۶ □ سال چهارم
□ ماه اردیبهشت ۱۳۸۳ □ سه شنبه
□ ۹ تیر ماه ۱۳۸۳ خورشیدی □ یکشماره: ۱۲۵۰ ریال

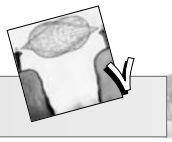

حلقه گم شده در نهادها : روابط عمومی ۷

در گفتگو با آناهیتا اقبال نژاد: هنوز تئاتر حرفه ای نداریم ۴

روز ما، روز سرنوشت
فرزانه مهری

به راستی هواخواهان دروغ ، اندیشه پویندگان راه راست را پریشان کرده و ایمان آنها را متزلزل می‌سازند . اما در روز واپسین روان آنها بر سر پل چینوت به علت کردار و گفتار زشت و انحراف از راه راستی آنها را آشکارا سرزنش خواهند کرد .

کرپن‌ها (سوء استفاده کنندگان از دین) هیچ وقت نسبت به دستورات و قوانین الهی توجه ننموده و احترامی نمی گذارند . آنان خدمتگزاران جهان را با کردارهای زشت و آموزش‌های نادرست خویش به تباهی می‌کشانند و سرانجام در نتیجه آموزش‌های گمراه کننده ، خود نیز به سرای دروغ یا دوزخ اندر خواهند شد .

وهوخشترکات ،یسنا ۵۱ ،هات ۱۴ و ۱۳ ،گاتها

نوش نخست

سپاه توران که مقابل ایرانیان رسید ، تقریباً نیمی از ایران را در نوردیده بود و بسیاری را کشته بود و مردمان زیادی را به اسارت گرفته بود. گفتارشان این بود که مردی از شما ایرانیان تیری بیندازد ، هر جاپیکان بر زمین نشست ، مرز ایران و توران خواهد بود.

تورانیان ، اقوام مهاجری که جنگ های بسیاری را بر ایران تحمیل کردند ، از روی غرور و بی آنکه ایرانی را بشناسند ، چنین پیمانی بستند که ناگهان از میان جمعیت ، بزرگمردی بلند تر از دیگران فریاد برآورد : منم آرش ...

تیر آرش فرسنگ‌ها را پیمود و در سرزمین فرغانه بر تنهٔ درخت گردویی کهنسال فرود آمد . تا تورانیان ناکام به مرزهای پیشین بازگردند.

آرش را در تاریخ ایران نماد وطن دوستی و جان در گروی میهن داشتن می دانند. چه سکّهٔ تاریخ ایران را که گویی با مُهر جنگ ضرب کرده‌اند ، به چنین مردانی نیاز است.

ایرانویج سرزمینی با داده‌های خداوندی فراوان و مردمانی نیک ، همواره چشم طمع دشمنان را در پی خود داشت . از همان آغاز تقسیم ایران بین فرزندان فریدون تا کنون همواره همسایگان و کشورهای بیگانه در تلاش بوده‌اند تا از راه‌های گوناگون بر ایران مسلط شوند . از جنگ های تورانیان گرفته تا ترکتازی اسکندر گُجستَک ، از یورش های گاه و بیگاه رومیان تا حملهٔ اعراب تازی و از ویرانگری های مغول و تاتار تا تاخت و تاز مدرن حاکم دیوانهٔ بغداد.

اینگونه بود که فرزندان ایران همواره هوشیار بودند و جان بر کف تا به چشم بر هم زدنی ، دشمن را از خاک میهن برانند و مام وطن را از گزند روزگار دور دارند و سپس در آغوشش آرام گیرند . مقام این جان برکفان و جانباختگان آنچنان در فرهنگ ایران بالاست که فردوسی در مورد آنان می سراید:

هر آنکو شود کشته ز ایران سپاه
بهشت برینش بود جایگاه

اکنون اما زمانه دگرگونه گشته . جهانِ حال ، پیش و بیش از آنکه قداره بندان و سرمایه داران ، اداره‌اش کنند ، بر پایهٔ ارتباطات می چرخد و آگاهی ها.

اکنون تمامی مصادیق جهان کهن ، در چهرهٔ مدرنیته تجلی یافته است . دیگر از آن تاختن‌های وحشیانه خبری نیست ، اما رودخانهٔ بی رحم و شتابان اطلاعات آنچنان بر جوامع می تازد که دست کمی از آن یورش ها ندارد.

در برابر این سیلِ ریشه برانداز ، این فرهنگ جوامع مختلف است که دستخوش تغییرات می شود . فرهنگ سست و ناپایدار در آنی مضمحل شده و در این سیل ، غرق می شود. فرهنگ ریشه دار اما همچنان ایستاده است و گرچه امکان تغییر است . اما ریشه اش پابرجاست.

فرزندان کنونی ایران زمین که نوادگان آرش کمانگیرند ، ریشه‌های فرهنگ کهن ایرانند. پایداری آنان در مقابل این سیل با استفاده از ظرفیت ها و شایستگی های فرهنگ گذشته و با بهره‌گیری از وجه مثبت فرهنگ های بیگانه ، سبب ایستادگی و پایداری فرهنگ خواهد بود. و در غیر این صورت «بید بی ریشه را شن باد خواهد برد»

پاینده باد خاک ایران ما

درود به روح بردباری و غیرتِ ایمان

پرتاب تیر تا آنجا که افتاد هزار فرسنگ بود .

وجه تسمیه جشن تیرگان که دهم تیرماه است ، همین قضیه تیرانداختن آرش برای تعیین مرز ایران و توران می دانند. آرش پیش از پرتاب تیر برهنه شد و گفت : تمام بدن من سالم است و من پس از پرتاب تیر پاره پاره خواهم شد . من خود را فدای میهن کردم . و این روز «تیر روز» بود که اصطلاحاً «تیرگان کوچک» نامیده می شود. روز بعد یعنی « گوش روز» که تیرگان بزرگ است خبر اصابت تیر به هدف آورده شد ، اما آرش زنده نبود . او جان خود را فدای ایران کرده بود.

ایرانیان از زمان‌های کهن در این روز غسل می کردند و آن را رسمی کهن از دوران کیخسرو می دانسته‌اند. تیرگان به تیر جشن، آبریزانو آبریجگان نیز معروف است . زرتشتیان هنوز هم در این روز با پاشیدن آب به روی هم نشان می دهند که به نوعی ادامه دهنده آیین ها و رسوم کهن این سرزمینند.

پس از غلبه افراسیاب بر منوچهر ، بر این قرار دادند که در یک مصالحه ، مرز ایران و توران را با پرتاب تیر یکی از پهلوانان ایرانی معین کنند .

آرش به این مهم گمارده شد . در این هنگام فرشته سفندارمذ حاضر آمد و امر کرد تا تیر و کمانی برگزینند و آنگاه آرش که مردی شریف و هم حکیم بود حاضر آمد و به قوت خداداد ، دست به کمان برد و با همه نیروی خود از فراز کوه البرز به سوی دورترین نشانه‌ها پرتاب کرد و چنان نیرویی برای پرتاب این تیر سرنوشت ساز به کار گرفت که با پرتاب آن ، تیر زندگیش نیز از کمان جستن کرد و در راه آرمان خویش در دم جان سپرد .

تیر آرش را ایزد باد در سرزمین فرغانه بر تنه گردویی کهنسال ـ که در همه عالم بزرگتر از آن درختی نبود ـ فرود آورد و آنجا مرز ایران و توران شد. نوشته‌اند که از جای پرتاب تیر تا آنجا که افتاد هزار فرسنگ بود .

آنجا که سنگ می گرید

پیمانه سروش پور :خستگی و کوفتگی یک سفر طولانی ، یک مینی بوس پرسروصدا ، هوای دمکرده ، جاده خاکی و بیابون بی آب و علف ، تشنگی مداوم و عطش رفع نشدنی ، آفتاب سوزان کویر ، هر کدوم به تنهایی می تونن طاقت آدم رو طاق کنند .

ولی همه توی مینی بوس بی توجه به این مسائل به جای احساس ناراحتی و خستگی ، شاد و سرخوش در حال آواز خوندن هستند .

یک شور و شوق خاص تحمل تمام این خستگی را راحت کرده .

صدای هلهله همراهانت تو را به خود می آورد ،

در وسط کویر خشک زمانی که برگرد یکی از این کوههای بی آب و علف ماشین می پیچد منظره ای می بینی که هنوز پس از بارها دیدن برایت غیرقابل باور می نماید .

در دل کوهی خشک در وسط کویر درختانی سبز روییده اند .

به یاد افسانه ای کهن می افتی به یاد شهزاده ای که از جور زمان به دل کوه پناه آورد و کوه آغوش گشود .

او را در دل خویش جای داد و از آن پس به درد بی کسی شهزاده گریست .

مثلی هست که برای اغراق می گوید : دل سنگ به حالش می گرید ولی اینجا این یک مثل نیست بلکه واقعیت است . تو با چشمانت می بینی که سنگ می گرید .

خیمه ها را که می بینی یاد گذشتگانت می افتی آنها که در دوران سختی و خفقان برای دمی آسایش و رهایی از محدودیت ها به اینجا پناه می آوردند .

یاد برخی داستانهای دلخراش از کشته و شکنجه شدن خادم وفادار پیر توسط راهزنان می افتی .

پله های غیرقابل شمارش را که طی می کنی پیرزنان و پیرمردانی را می بینی که با وجود کهولت سن و فرتوت بودن این پله ها را با عشق پشت سر می گذارند .

پای پیر که می رسی با چشمانت زیباییها را می بلعی : شاخه های سبز شده از دل کوه ، اشک سنگ و چکک چکک آب .

نمی دانی گریه کوه را بنگری یا اشک های یک پیرزن که با تمام وجود به راز و نیاز مشغول است یا شوق زیبای کودکان را برای جمع آوری قطره های آب .

بوی خوش عود و آوای خوش اوستا مسخت می کند و راحت از سر و صدا و شلوغی شهر و زندگی ماشینی ات ، دمی را برای خویش و خدای خویش می گذرانی .

به معنای معجزه می اندیشی ؟ فکر می کنی زیبایی و شکوه یعنی چی ؟

ولی ای کاش همیشه می توانستی چشمانت را به روی زیباییها بگشایی .

در کنار همین پیر صحنه هایی را می بینی که برایت غیرقابل باور و ناراحت

پیرسرابچک چکن ، خرداد ۱۳۸۳ ، عکس : میترا کرمی

کننده است .

پای پیر که هستی می بینی که هر زرتشتی دست کم یک اسکناس در داخل دخل می اندازد ولی وقتی بیرون می آیی وضعیت بهداشتی این مکان و ابراز نارضایتی همگان متعجبت می کند که آیا نمی توان از این همه پول حداقل یک فرد را برای همین مدت چند روز به منظور نظافت سرویس های بهداشتی استخدام کرد و اندک خرجی هم در این زمینه کرد .

در حالی که ریاست جمهوری نیز به این مکان بها داده و بودجه ای را به منظور آسفالت کردن جاده پیرسبز اختصاص داده ولی خود ما به ساده ترین مسائل از جمله نظافت پیر بی توجه هستیم .

زمانی که می شنوی از این مکان مقدس تنها یک مرد سالخورده نگهداری می کند و روزهای آخر هفته این مکان جایی برای خوشگذرانی افراد لاابالی است دلت می گیرد .

در مدت این چند روز بساط برپایی جشن و شادی مهیاست اما هیچ گونه فعالیت فرهنگی نمی بینی .

به یاد می آوری که از جایی شنیده ای که در گذشته شاهنامه خوانی از جمله رسوم این مکان بوده در دوره های نزدیکتر برگزاری نمایشگاه کتاب را نیز به یاد می آوری در حالی که می اندیشی این جمع حاضر و این فرصت می توانست باعث چه تاثیرگذاری های فرهنگی باشد از هیچکدام از فعالیت های پیشین هم نشانی نمی بینی .

می بینی که همان روز چند توریست از اینجا بازدید می کنند و اینجا نه تنها راهنمایی برای این امر نیست بلکه هیچ نوشته یا توضیحی نیز که اینجا را به یک فرد ناآشنا بشناسد نمی بینی .

به یاد یک ماه پیش می افتم ، زمانی که در کتابفروشی مشغول خرید کتاب بودم دو نفر خارجی که نمی توانستند فارسی صحبت کنند برای خرید کتاب راهنمایی کردم زمانی که از برنامه گردشیشان در ایران سخن گفتند و در صدر این برنامه بازدید از یزد و پیرچک چک وجود داشت شگفت زده شدم .

آنچنان با شور از این مکان سخن می گفتند که من با خود اندیشیدم شاید دیگران بیش از ما به ارزشمندی این مکانها واقفند .

از زیارت که برمی گردم و ایمیلم را چک می کنم مذهبی ترین دوستم که در حال حاضر در قم ساکن است به من فراسیدن زمان زیارت پیر سبز را تبریک گفته و از من خواسته تا اگر به زیارت این مکان مقدس رفته ام از معجزات این مکان برایش بنویسم چون او عکس این مکان را دیده و بسیار علاقه مند شده .

فقط در دل می گویم ای کاش ما نیز روزی ارزشمندی این مکانها و این زمانها را دریابیم .

همایش تیرگان

۱ - به مناسبت فرارسیدن جشن تیرگان

۲- اجرای اولین جنگ هنری بزرگ ویژه زرتشتیان توسط موسسه هنری نیک سیما (بنیاد جمشید)

- زمان : پنجشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۸۳ مکان : سالن مارکار تهران پارس

۳- این برنامه در قالب یک جنگ هنری بوده و دارای برنامه های متنوعی با حضور اساتید بزرگ عرصه هنر می باشد.

۴- آیتمهای برنامه عبارتند از:

× اجرای موسیقی زنده پاپ توسط گروه بزرگ موسیقی پدر

× اجرای مسابقه ویژه توسط مجری برنامه ، که از مجریان با سابقه سازمان صدا و سیما می باشد .

× حضور بازیگران بزرگ سینما و تلویزیون جهت برقراری ارتباط و آشنایی بیشتر بین هنرمندان بزرگ با جامعه زرتشتی و بویژه تشویق و راهنمایی جوانان به سوی حرفه ای شدن در هر یک از رشته های هنری

۵- علاقمندان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و تهیه بلیط این برنامه بزرگ به دفتر موسسه هنری نیک سیما(وابسته به بنیاد جمشید) واقع در خیابان کریمخان زند خیابان خردمند شمالی - خیابان ششم - پلاک ۲ (بنیاد جمشید)-طبقه اول مراجعه نموده و یا با تلفن ۸۸۲۵۲۱۲ تماس حاصل فرمایند .

دست تقدیر سرنوشتتان را رقم زد
و قلبهایتان را به هم پیوند
با انگشتانی که برای رسیدن به هم خم شده اند
با بزرگی از هفتهٔ **خورشیدچهر و شاه بهرام** مژ
پیوندتان مبارک
داریوش

کلاسهای تابستانی بنیاد جمشید
ریاضی -فیزیک - شیمی - زبان و عربی
راهنمایی دبیرستان پیش دانشگاهی و کنکور
ویژه کودکان : نقاشی - خط و زبان
آموزش زبان دری و مکالمه انگلیسی (ویژه زرتشتیان)
چهارشنبه هر هفته ۱۸ تا ۲۰ جلسه بحث و گفتگوی آزاد با شرکت کارشناسان اجتماعی
تلفن: ۸۸۲۵۲۱۲
بنیاد فرهنگی جمشید در نظر دارد دومین دوره مسابقات استوره را برگزار نماید .
در این راستا دست همکاری و همیاری تمامی شاهنامه شناسان ، فرهنگیان هنرمندان (گرافیک ، نقاشی و...)، علاقمندان را به گرمی می‌فشارد. جهت اطلاعات بیشتر خواهشمند است همه روزه از ساعت ۱۶ تا ۱۹ با شماره تلفن ۸۸۲۵۲۱۲ بنیاد فرهنگی جمشید تماس بگیرید .

نور آذرخش
خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران باشد
دوست داریم در روشنایی بخشیدن محفل شما سهیم باشیم
کلیه خدمات نورپردازی مراسم و سالنها
(اجرا توسط خانم و آقا)
تلفکس ۶۸۶۳۰۲۳
همراه ۰۹۱۳۳۵۳۱۷۵۷ (بزرگی)

دکتر گلناز کیانی
جراح ومتخصص بیماریهای زنان ، ایمان وناژانی
Dr. G.Kiani
O.B. Gynecologist
- اندوکریولوژ ناژانی
- مراقبت‌های قبل ،حین و پس از زایمان
- تنظیم خانواده
- سونوگرافی تشخیصی-واژینال و ابدومینال در مطب
پذیرایی ۴ تا ۸ بعد از ظهر هر روز پنجشنبه‌ها ۹ تا ۱۲
آدرس: میدان کلنا - نبش شهید کمالی- ساختمان ویدا پلاک ۱۵ طبقه سوم
تلفن: ۴۴۶۳۱۹۰ و ۸۸۳۸۵۸۱ همراه ۰۹۱۶۳۸۶۰۷۹۴

امروز نگاه دیگران

محمد قوچانی:

پوپولیسم یعنی عوام سالاری

برگرفته از روزنامه شرق یکشنبه ۱۴ خرداد :

مارکس ایدئولوژی را به آگاهی کاذب ترجمه می کند و آگاهی کاذب آن زمان شکل می گیرد که عقل از تبیین واقعیت عاجز می شود و یا در برابر آن تسلیم می گردد. دل سپردن به آگاهی های کاذب، بهره بردن از رسانه شایعه و سوار شدن بر موج ، معنایی جز پوپولیسم ندارد.

پوپولیسم (عوام سالاری) مجموعه ای از باورهای عوام‌زده است تا عوام را به زیر حکومت بگیرند. عوام اما همان مردمند که در دموکراسی باید به حکومت برسند. پس هر دو اندیشه به حاکمیت مردم می اندیشند اما در دموکراسی این قانون است که حکومت می کند و در پوپولیسم ایدئولوژی.

بر اساس این ایدئولوژی نه فقط حق اعمال قدرت که حق تشخیص حقیقت با مردم است. این مردم هستند که نیک و بد، حق و ناحق، درست و نادرست را تعیین می کنند.

در حالی که دموکراسی با مرزبندی میان دانش و ارزش، حقیقت و قدرت، فرزانگی و حکمرانی می کوشد به ارائه شیوه ای فروتنانه برای ایجاد حیات سیاسی عادلانه بسنده کند.

پوپولیسم با ادغام همه این مفاهیم تلاش دارد در عین عوام سالاری آنان را در جایگاه عالم ترین مسئولان بنشاند. پشت پرده این در پی مردم دویدن البته همواره نخبه یا نخبگانی وجود دارند با دست های نامرئی قواعد اجتماعی را کنترل می کنند.

در واقع همه پوپولیست ها قیلّا در مکانی نامعلوم از زمان تصمیم خود را گرفته اند و تنها می کوشند با پیروی از سلائق عوام خویش را خدمتگزار و میاشر ایشان نشان دهند. مدیران شهری می دانند که مردم از سرکشی امرا به رعایا با لباس مبدل یا محقر خشنود می شوند. پس روّسا به دیدار عوام می روند و به جای اصلاح بوروکراسی ،آن را ویران می کنند. پوپولیست ها با مردم دیدار می کنند تا مردم چهره‌های آنان را به خاطر بسپارند. پوپولیست ها می دانند همواره شکم از مغز زودتر عمل می کند. پس در همان حال که با دموکراسی مخالفت می کنند از عدالت حرف می زنند. عدالتی توزیعی در این سطح که اگر نمی توان سهم هر ایرانی از نفت ملی را در خانه ها تحویل دهند، دست کم بن و کوپن رایگان در اختیار ایشان قرار دهند. اگر نمی توانند با ارائه اقتصادی کارآمد از گرانی جلوگیری کنند، با سیاستی مقتدرانه قیمت ها را بشکنند.

بدین ترتیب پوپولیست ها نه فقط بر مردم که بر قوانین نیز حکومت می کنند. قواعد اقتصادی را با قواعد سیاسی منکوب می کنند تا علایق اجتماعی را برانگیزند. پیروان پوپولیسم در فرهنگ نیز نفوذ شگرفی دارند. پوپولیست های مذهبی اما حتی دین را در دایره ایدئولوژی خویش می بینند.

در پوپولیسم از رقابت خبری نیست. هر چه هست مشارکت است که ترجیح می دهند از آن به رفاقت یاد کنند این گونه است که مدرن ترین دولت ها (جمهوری) به سنتی‌ترین روش ها اداره می شود. رقابت اندک، مشارکت بسیار و کارآمدی عالی. این را از پوپولیسم است. بر این سه که ایدئولوژی عدالت را بیفزایید معجون کامل می شود. عدالتی توزیعی و ابتدایی نه به سنت مارکس یا رالز که به شیوه افلاطون در سپیده دم تاریخ.

پوپولیسم در مقام یک ایدئولوژی هر روز بیش از دیروز صورت خود را به ما می نماید. این صورت البته هر لحظه در موقعیت جداگانه ای از زمان کامل می شود.

گاهانبار جشن سپاس

امرداد ـ کیوان هور: سپیده دم زیبارامی ستاییم . سپیده دم را می‌ستاییم که نورانی است . به سروش اشوی پارسای فیروزگر افزاینده جهان و به رشن راست و به اشتاد افزاینده جهان و آبادکننده جهان پزشن و نیایش و درود و ستایش باد .

این جملات آغاز کننده یکی از کهن ترین جشن های ایران و جهان است . گاهانبارها که شش نوبت در سال با عنوان شش چهره برگزار می شوند ، نماد شش مرحله آفرینش جهان اند . این جشن ها با این فلسفه ، کاربردی دیگردر فرهنگ ایران باستان یافتند .

کمی پیش از برآمدن آفتاب ، موبدان با جامه سپید رنگ ، اوستا خواندن را آغاز می کنند . در همین حال گیاه هوم ، گیاهی مقدس نزد ایرانیان باستان در هاونی پاک کوبیده می شود . شیره‌این گیاه که به «آب مقدس» و یا «آب هوم» شناخته می شود، پس از پایان مراسم در بین باشندگان توزیع می شود و آنان از این آب می نوشند .

اوستا خواندن که ادامه می یابد ، جمعیت زیادی در نیایشگاه جمع شده اند . اینجاست که وجهه کاربردی این جشن و آیین نمایان می شود . ایرانیان قدیم در هنگام نبود وسایل ارتباط جمعی و تسلط فرهنگ شفاهی ، از این آیین برای به گوش هم رساندن اخبار و اتفاقات مهم جامعه استفاده می کردند . به صورتی که موبدی که آگاه از از این اخبار بود ، در هنگام برگزاری این آیین درروستاهای کوچک ، خبر را به همه ـ حاضرین می گفت و اینگونه گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی حتی در دور افتاده ترین نقاط به وجود آمد .

گاهانبار را همچنین آیین «سپاس» می دانند . سپاس از خدای بزرگ ، دانای بزرگ هستی بخش که ایرانیان «اهورامزدا»پیش از هر چیز به جهت داده های نیک او که به کار انسان می‌آیند . شش چهره گاهانبار ، شش گاهی است که انسان ایرانی برای سپاس و داد و دهش و دستگیری نیازمندان جامعه گرد هم می آیند و به نیایش می پردازند و به شادی .

آن هنگام که اوستا از سوی موبد خوانده می شود ، زرتشتیان با بستن کمربند سفید «کشتی» بر روی پیراهن سفید «سدره»پیمان می بندند که نیک بیندیشند ، نیک بگویند و نیکی کنند تا «سودرسان» به جامعه نامیده شوند . از منش ناپاک (اهریمن) دوری گزینند تا جامعه همواره بر اساس اشویی (پاکی و راستی) استوار ماند .

اینگونه است که ایرانیان را قومی با فرهنگ غنی ، شاد ، نیک نیکوکار و سودرسان دانسته اند . با حفظ این آیین ها است که ایران در جهان شناخته می شود .

بامداد هشتم تیرماه جاری یکی دیگر از این آیین ها در معبد زرتشتیان تهران (آدریان) برپا بود.بسیاری از زرتشتیان تهران پیش از سرزدن آفتاب و در نخستین گاه نمازشان یعنی « ـ اوشهین» برای هم بهره شدن در گاهانبار «میدیوشهم» گاه به آدریان تهران رفته بودند. این چهره از گاهانبارها در میان گرمای تابستان برگزار می شود و همین نام را هم البته به زبان پهلوی برخود گرفته است .

جشن «میدیوزرم» به معنی میان بهار، در پانزدهم اردیبهشت ماه جشن گرفته شد. موقع جشن «پتیه شهیم» در سی ام شهریور ماه خواهد بود که جشن خرمن نام دارد. قدیم‌ترها جشن «ایا سرم» در موقع بازگشت گله از کوهستان در روز سی ام مهر ماه برگزار می شد. جشن «مید یارم» به معنی میان سال برای فصل سرد بود و در بیستم دی ماه گرفته می شد و سرانجام جشن «همسپتدمیدیم » بود که در سیصد و شصت و پنجمین روز سال برگزار می شد و همراه با جشن نوروز بود.

موزه مردم شناسی زرتشتیان در کرمان افتتاح می شود

میراث خبر: موزه مردم شناسی زرتشتیان کرمان در حال تکمیل و افتتاح است. قرار است در این موزه آثاری از این اقلیت مذهبی و باستانی که در ایران وجود دارد ، نمایش داده شود.

موبدیار«مهران غیبی» ، مدیر موزه مردم شناسی زرتشتیان ضمن اعلام خبر فوق گفت: «هدف ما از تشکیل این موزه، حفظ میراث فرهنگی زرتشتیان و انتقال فرهنگ این اقلیت و شیوه های زندگی اش به کودکان و جوانان زرتشتی است.»

وی افزود: «از ۶ هزار شی ای که تا به حال برای موزه جمع آوری شده قدیمی ترین اشیا، یک آتشدان متعلق به سال ۱۲۰۷ هجری قمری و یک اوستای خطی به ۱۲۰۱ هجری قمری است.»

غیبی با اشاره به این که زرتشتیان تا زمان ناصرالدین شاه، اقلیت مطرودی بودند که حتی خانه هایشان را بیرون از شهرها می ساختند، تاکید کرد: «به علت همین طرد شدگی، اشیا و اسناد زیادی از این اقلیت بر جای مانده و قسمت اعظم اشیایی که در این موزه جمع آوری شده متعلق به عهد ناصرالدین شاه و بعد از آن است. قدمت تاریخی ۴۰ ساله، شرطی است که اکنون ما برای اشیای این موزه در نظر گرفته ایم و هر سند، دست نوشته یا شی ای که متعلق به ۴۰ سال پیش باشد را برای نمایش در این موزه می پذیریم.»

این موبدیار یکی دیگر از عوامل گم بودن اسناد و اشیاء متعلق به زرتشتیان را آموزه های دینی زرتشت دانست و گفت: «این دین به ما، اجازه سکون و جمود نمی دهد و ما براساس اوستا، باید هر روز خود را تازه کنیم و جهان نوینی بسازیم. بنابراین اشیاء با قدمت تاریخی نزد این اقلیت زیاد نیست و حداکثر قدمت اشیا به ۲۰۰ سال قبل می رسد.» این موزه با جمع آوری شی های صنعتی و کشاورزی ، دست نوشته های دینی ، نامه ها ، اسناد، کتاب های خطی و لوازم آشپزخانه، لباس و سایر عناصری که در زندگی روزمره مردم کاربرد دارند، غنی شده است.

موزه مردم شناسی زرتشتیان کرمان، در فهرست موزه های سازمان میراث فرهنگی نیز ثبت شده اما به دلیل عدم اتمام کارهای اولیه، هنوز به طور رسمی افتتاح نشده است.

کوروش نیکنام :

از نتایج بررسی اعتبارنامه ام بی اطلاعم

تهران ،خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳۰ / ۴ / ۸۳ :**منتخب زرتشتیان از نتایج بررسی اعتبارنامه خود در مجلس اظهار بی اطلاعی کرد.**

کوروش نیک نام ،منتخب جامعه زرتشتیان در مجلس هفتم از سرنوشت اعتبارنامه خود، که به کمیسیون تحقیق مجلس ارجاع شده است ، اظهار بی اطلاعی کرد.

وی روز چهارشنبه در گفت وگو با خبرنگار سیاسی ایرنا گفت : نتیجه بررسی کمیسیون تحقیق مجلس تا چند روز آینده مشخص خواهد شد و در این زمینه مشکلی نخواهد بود.

نیک نام گفت که برای اطلاع از دلایل تاخیر در تصویب اعتبارنامه و علل آن به کمیسیون تحقیق مجلس مراجعه نکرده است و از دلایل مخالفت تعدادی از نمایندگان مجلس با تصویب اعتبارنامه خود اطلاعی ندارد.

منتخب زرتشتیان در پاسخ به این سوال که علت مخالفت با تصویب اعتبارنامه خود را چه می دانید؟ گفت که این سوال را باید از آنها که با تصویب اعتبارنامه مخالفت کردند، پرسید.

وی گفت که این مساله مشکل مهمی نیست و ادامه داد : طبیعی است که اگر مسایل موجود جدی و مهم بود شورای نگهبان صلاحیت مرا تایید نمی کرد و وقتی شورای نگهبان که از تمام مسایل زندگی ما آگاه بوده ، تشخیص داده است که صلاحیت من تایید شود، گمان نمی کنم مساله مهمی وجود داشته باشد.

منتخب جامعه زرتشتیان افزود : شاید برخی گلایه ها یا مسایل دیگر باعث مخالفت برخی نمایندگان شده است ، با این حال کارها روند خود را طی می کند وما هم منتظر اعلام نتیجه می مانیم .

عضو انجمن موبدان تهران که یک روحانی زرتشتی است ،در پاسخ به این سوال‌که انتقاد برخی دوستان از مسایلی در زندگی شخصی شما صحت دارد یا خیر؟

گفت : نمی دانم چه مسایلی مطرح شده ، اما هرچه بوده شورای نگهبان از آن اطلاع داشته است .

وی تاکید کرد : خوشبختانه اعتراضی در پرونده من وجود نداشته و طبیعی است که اگر در جامعه زرتشتیان هم مسائل و اعتراضاتی وجود داشت در مجلس طرح می شد.

با سفر هیات ایرانی برای شرکت در بیست و هشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در چین

سرنوشت پاسارگاد ،ارگ بم و میدان نقش جهان این هفته مشخص می شود

میراث خبر: سید محمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه و معاون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و هیات همراه دیروز برای شرکت در بیست و هشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو راهی شهر سوژو در چین شدند.

این اجلاس دیروز هشتم تیرماه (۸ تا ۱۷ تیر) ، با سخنان کوچیرو ماتسوراء، دبیرکل یونسکو افتتاح شد. در جریان این نشست قرار است برای ثبت آثار جدید در فهرست میراث جهانی یونسکو و همچنین سرنوشت محوطه های در خطر تصمیم گیری شود.

در این اجلاس در مورد پرونده دو محوطه میراث فرهنگی ایران، پاسارگاد و ارگ بم که قرار است به ترتیب در فهرست میراث جهانی و فهرست میراث جهانی در خطر یونسکو ثبت شوند تصمیم گیری خواهد شد.

عبدالرسول وطن‌دوست ، مدیر پژوهشکده مرمت آثار و مدیر پیشین روابط بین الملل سازمان میراث فرهنگی ، گفت «در اجلاس چین در مورد پرونده ثبت پاسارگاد و ارگ بم تصمیم گیری خواهد شد و ما امیدواریم شاهد ثبت هر دوی این محوطه‌ها در فهرست‌های یونسکو باشیم.»

وطن‌دوست در مورد دیگر محوطه‌های میراثی ایران که مراحل ثبت در فهرست میراث جهانی را می گذرانند، گفت در اجلاس که چندی پیش در استرالیا برگزار شد، تصمیم گرفته شد که در هر اجلاس هر کشور تنها یک محوطه را برای ثبت در فهرست میراث جهانی معرفی کند. ما از مخالفان این تصمیم هستیم و به همراه چند کشور دیگر ، برای لغو آن تلاش خواهیم کرد. اما در حال حاضر این قانون معتبر است و ما هم بنابر اولویت ها ، پرونده ثبت محوطه‌های تاریخی و باستانی ایران را به تدریج به یونسکو می فرستیم.»

سرنوشت میدان نقش جهان اصفهان هم که با ساخت برج جهان‌نما در نزدیکی آن و مخدوش شدن افق این میدان تاریخی احتمال ثبت آن در فهرست میراث جهانی در خطر وجود دارد، در جریان این اجلاس مشخص می شود.

وطن‌دوست درباره سرنوشت میدان نقش جهان می گوید : «گزارش ایران در مورد نقش‌جهان ماه گذشته به مقر یونسکو در پاریس فرستاده شد. طبق توافق انجام شده میان سازمان میراث فرهنگی و شهرداری اصفهان، قرار است برج جهان‌نما تعدیل شود، اما متاسفانه این اتفاق تا به حال نیافتاده است. به هر حال در اجلاس چین مطمئناً شاهد تصمیم‌گیری در مورد میدان نقش‌جهان خواهیم بود.»

محوطه تاریخی پاسارگاد در ۷۰ کیلومتری شمال تخت جمشید و در سه کیلومتری جاده شیراز ــ آباده قرار دارد. در محوطه پاسارگاد آثار تاریخی و باستانی ارزشمندی قرار دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آرامگاه کوروش، کاخ بار عام و کاخ دروازه اشاره کرد.

ارگ بم ، بزرگ‌ترین مجموعه خشتی جهان است که در جریان زلزله سال گذشته بم بیش از ۷۰ درصد آن تخریب شد و از آن زمان بازسازی و نجات‌بخشی آن به دغدغه محافل علمی،کارشناسان و باستان‌شناسان جهانی تبدیل شده است.

در حال حاضر ۴ محوطه تاریخی و باستانی تخت جمشید، چغازنبیل ، تخت سلیمان و میدان نقش جهان اصفهان در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

یک سند در باره جمعیت زرتشتیان جهان

بر اساس این سند تأیید نشده آمار زرتشتیان افزایش یافته است.

بر اساس سندی که همکیش عزیز کیخسرو کیخسروزاده برای دفتر امرداد ارسال کرده‌اند جمعیت زرتشتیان ایران که در سال ۱۹۷۰میلادی ۲۲ هزار و پانصد نفر بوده است در سال ۲۰۰۰ میلادی به رقم یک میلیون و نهصد و سه هزار و صد و هشتاد و دو نفر افزایش یافته . به طوری که زرتشتیان به تنهایی ۲ و هشت دهم درصد جمعیت ایران را شامل می شوند. این درحالی است که بر اساس همین سند در حالی که در سال ۱۹۷۰ حتی یک نفر زرتشتی در افغانستان زندگی نمی کرده است در سال ۲۰۰۰ به عدد باور نکردنی ۳۰۴ هزار و ۴۵۴ نفر رسیده است.این سند تعداد زرتشتیان تاجیکستان و ازبکستان را به ترتیب هفت هزار و ۴۲۶ نفر و سه هزار و ۴۲ نفر نشان می دهد. لازم به ذکر است که بر اساس این سند هیچ زرتشتی در سال ۱۹۷۰ در این دو کشور اخیر نیز زندگی نمی کرده اند.

با این حساب تعداد زرتشتیان این چهار کشور که قبلا دین رسمی همه آنها زرتشتی بوده در سال ۲۰۰۰ دارای بالغ بر دو میلیون و ۲۰۸ هزار و ۱۰۴ نفر می باشد.

منبع اصلی این آمار را این سند اینچنین معرفی می کند: انسائکلوپیدیای جهان مسیحیت ، تحقیقی از کلیساها و ادیان در جهان مدرن ، جلد دوم ،نیویورک ، چاپ دانشگاه آکسفورد ، ۲۰۰۱

سالم ترین و مجلل ترین آتشکده ساسانی در معرض تخریب قرار دارد

میراث خبر : در حالی که بخش های مختلف سازمان میراث فرهنگی، کاروانسراها، حمام ها و بسیاری دیگر از آثار متاخر معماری را مورد مرمت و بازسازی قرار می دهند، آتشکده منحصر به فرد بندیان دره گز، خاموش و سرد در انتظار تصمیم گیری مدیران سازمان میراث فرهنگی برای حفاظت و نگهداری است .

«مهدی رهبر» ، سرپرست هیات کاوش بندیان با بیان این مطلب درباره مشکلات این اثر دوره ساسانی به «میراث خبر» گفت: «معماری این اثر چینه ای است. استفاده از خاک و آب در ساخت آن ، آتشکده را در برابر رطوبت، باد و باران آسیب پذیر کرده است. برای محافظت از این بنا پوشش فلزی موقتی ایجاد کرده ایم. اما این پوشش به طور کامل از بنا مراقبت نمی کند و در صورت ریزش باران ، آب از لا به لای صفحات فلزی نصب شده به داخل آن نفوذ می کند.»

روی حفاری های بندیان، داربست های فلزی قرار داده شده و روی آن با ایرانیت پوشانده شده است. با پایان کاوش هر بخش از این محوطه ایرانیت تازه بدون شیب بندی مناسب به پوشش های قبل افزوده شده است.

فاصله ایرانیت ها نیز به طور کامل پوشانده نمی شود. محدودیت امکانات ، موقتی فرض کردن شرایط و عدم دقت در ایجاد پوشش های فعلی ، بنا را با خطر آسیب جدی مواجه کرده است.

«حسن صابری سلیمانی» ، کارشناس ارشد معماری و ناظر مرمتی بندیان دره گز درباره اقدامات انجام شده برای حفاظت از آتشکده بندیان به میراث خبر گفت: «۴ یا ۵ سال پیش پیشنهاد دادیم که با توجه به ویژگی های منطقه و آثار موجود در زیر خاک محوطه ، داربست هایی در اطراف بنا و محل های کاوش شده نصب و پوشش مناسبی برای روی آن در نظر گرفته شود. هزینه مربوط به این کار نیز برآورد و سپس اعلام شد. در آن زمان معاونت پژوهشی سازمان پیگیر انجام این اقدامات بود. برای بازدید مردم از آثار این محوطه نیز داربست هایی را پیش بینی کرده بودیم. این کار موجب کاهش آسیب دیدن آثار خشتی و گلی در اثر بازدید از منطقه می شود.»

سلیمانی اما اضافه کرد: «به دلیل عدم توجه مسئولین و عدم تخصیص بودجه مناسب ، این پیشنهادات عملی نشد. در نهایت باران های فصلی و رطوبت موجود در هوا باعث صدمه دیدن آتشکده و سایر آثاری شده که طی سال های اخیر از زیر خاک بیرون آمده اند. با توجه به شرایط اخیر مهم ترین اقدام می توانست جلوگیری از ورود مردم عادی به داخل بنا باشد که آن را به انجام رساندیم.»

بندیان دره گز با وجود بی مهری مسئولین در زمینه حفاظت، طی ۹ فصل به طور مداوم مورد کاوش قرار گرفته است. آخرین فصل کاوش در این محوطه مهر ماه سال گذشته به پایان رسید. در این فصل بخشی از محوطه اطراف آتشکده مورد بررسی قرار گرفت و طی آن ، شواهدی از بناهای ناشناخته دوره ساسانی که می تواند در آینده سر نخ هایی از نوع سکونت در این دوره را آشکار کند، به دست آمد.

«مهدی رهبر» ، سرپرست هیات کاوش بندیان درباره این بناها معتقد است: «براساس کتیبه ای که در داخل آتشکده پیدا شده است. محوطه اطراف آتشکده ، دستگرد بوده است. دستگرد به معنی محلی است که در مالکیت شاهزاده یا بزرگان قرار داشته است. با توجه به مجلل بودن آتشکده می توان انتظار داشت دستگرد اطراف آن نیز محوطه وسیعی را به خود اختصاص دهد.»

از ۴ تا ۹ امرداد برگزار می شود

جام جانباختگان زرتشتی

بیست و چهارمین دوره پیکارهای ورزشی جام جانباختگان زرتشتی همچون هر سال از چهارم تا نهم امرداد از سوی کانون دانشجویان زرتشتی در مارکار تهرانپارس برگزار می شود .

بنا بر این گزارش ، این پیکار ها در رشته های فوتبال‌آقایان ، بسکتبال آقایان ، والیبال‌آقایان و بانوان ، تنیس روی میزانفرادی و دوبل ، بدمینتون‌آقایان و بانوان ، شطرنج‌و شطرنج سریع(بلیتس) ، دوچرخه سواری‌آقایان و بانوان در رشته های سرعت و استقامت و شنای بانوان برگزار می‌شود .

بنا بر اعلام کانون دانشجویان زرتشتی ، ورزشکاران رشته های مختلف از بیستم تا بیست و هشتم تیرماه برای نامنویس شرکت در این پیکار ها زمان دارند . آیین قرعه کشی روز نخست امرداد ماه در محل کانون دانشجویان برگزار می شود .

جام جانباختگان زرتشتی پیکارهایی ورزشی است که همه ساله از سوی کانون دانشجویان زرتشتی جهت ارتقای سطح ورزش زرتشتیان در همایشگاه فرهنگی ـ ورزشی مارکار تهرانپارس برگزار می شود .

هزینه برگزاری این پیکار ها با کوشش هموندان کانون از خیراندیشان زرتشتی جمع آوری می شود .کانون دانشجویان زرتشتی از سازمان های فعال جامعه زرتشتی در زمینه های دینی ، اجتماعی و ورزشی است .

تقدیر از پهلوان طهمورسی

شهرام پوردهی ، کرمان :هیات شطرنج استان کرمان با برگزاری مراسم باشکوهی از مهربان طهمورسی زاده پیش کسوت زرتشتی شطرنج استان کرمان تقدیر کرد .

این هیات ، مسابقات شطرنجی را با شرکت ۵۰ ورزشکار از برترین های این رشته تحت عنوان '' جام پهلوان طهمورسی '' برگزار کرد .

مهربان طهمورسی در میان ورزش دوستان کرمانی به « پهلوان » شهرت دارد و علیرغم ۷۹ سال سن ، کماکان عشق به ورزش و ورزشکاران را در وجود خود جوان نگه داشته است . وی علاوه بر شطرنج در رشته های ورزش باستانی و دوچرخه سواری نیز سوابق درخشانی دارد .

مراسم اختتامیه این پیکارها ، آدینه ۵ تیرماه در محل تالار اندیشه هیات شطرنج کرمان برگزار شد .

در این مراسم که رأس ساعت ۱۲آغاز شد، نجات زمانی مدیرکل تربیت بدنی استان کرمان و ایلگار باجارانی یکی از اساتید بین المللی شطرنج کشور آذربایجان به همراه جمعی از مسئولین این رشته حضور داشتند .

د رابتدا دکتر کاظمی دبیر هیات شطرنج کرمان ضمن خیرمقدم سخنانی در زمینه احترام به پیش کسوتان و تاثیر زیاد این قشر در پیشرفت ورزش ارائه نمود .سپس نجات زمانی مدیر کل تربیت بدنی کرمان گفت : ما باید قدر پیش کسوتان را تا زمانیکهبه و رقید حیات هستند بدانیم و قدرشناس زحماتشان باشیم و اگر گلهای همه گلخانه های کرمان را پیش پای ایشان بریزیم باز هم کم است . خداوند این توفیق را به ما بدهد تا سپاسگزار شما و خانواده محترمتان باشیم .وی در پایان سخنانش هدیه ای را به رسم یادبود به پهلوان طهمورسی اهداء کرد . در ادامه هدایایی نقدی به نفرات برتر داده شد که بر روی کاپ قهرمانی مسابقات تصویری از پهلوان طهمورسی نقش بسته بود . در پایان مراسم در حرکتی نمادین که ابراز احساسات حاضرین را برانگیخت ،دو خردسال دختر و پسر که از قهرمانان کشوری این رشته هستند با لبخندی خندان ، حلقه گلی را بر گردن پهلوان انداختند و وی نیز در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود آنها را در آغوش کشید و از همه حاضرین تشکر کرد .

در حاشیه :

ـ اولین سؤالی که در این مراسم به ذهن می رسید این بود که آیا زمانیکه پیش کسوتی این گونه مورد احترام جامعه ورزشی و عالیرتبه ترین مقام های ورزش یک استان است جرا باید در جامعه خودمان فراموش شده و حتی از وجود چنین پیش کسوتی بی خبر باشیم .

ـ در پایان مراسم ،پهلوان طهمورسی مسابقه ای نمایشی را با مهرآفرین کاظمی دختری ۲ ساله برگزار نمود که شناخت این خردسال از بازی شطرنج و تسلط وی و همچنین دست دادن با حریف خود در ابتدا و انتهای بازی و احترام به پیش کسوتی که ۷۷ سال از او بزرگتر است تحسین و تعجب همگان را برانگیخت .

پیرنارستانه از دوم تا ششم تیر ماه، میزبان زرتشتیان معتقداست

مراسم زیارتی «پیر نارستانه» متعلق به زرتشتیان ایران از تاریخ دوم تا ششم تیر ماه در پشت کوه «دربد» برگزار می شود.

کوه دربد در ۳۰ کیلومتری شرق یزد قرار دارد و این شهر به نوعی پایتخت دینی زرتشتیان به حساب می آید.

«مهران غیبی» موبدیار و رئیس کمیسیون فرهنگی انجمن زرتشتیان کرمان ، درباره تاریخچه این مراسم گفت:« پس از حمله اعراب به ایران در زمان ساسانیان ، خانواده یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی ، که به پرهیزگاری شهره بودند، گریختند و به کوه ها پناه بردند. به اعتقاد زرتشتیان ، آنها در کوه ها و چاه های اطراف یزد در دل زمین پنهان شدند و مزار آنها اکنون زیارتگاه زرتشتیان است. البته این باور در طول تاریخ با خرافات هم آمیخته شده است . این شاهزاده های گریخته از دست اعراب ، نقش اسطوره های مقاومت را برای اقلیت زرتشتی یافته اند. چون زرتشتیان تا چندین قرن ، اقلیتی رو به اضمحلال بوده اندو از این اساطیر برای کسب هویت خود استفاده می‌کردند.»

در سالنمای راستی درباره پیر نارستانه آمده :«درباره این پیر ، می گویند که یکی از شاهزادگان ساسانی به نام اردشیر ، بر شکارچی روشن بینی نمایان می شود و از او درخواست می کند این زیارتگاه را ایجاد کند و شکارچی به خواست شاهزاده اردشیر ، پیر نارستانه را بنیان می نهد.»

در مراسم زیارت از پیرنارستانه که مدت ۵ روز به طول می انجامد، زرتشتیان با یکدیگر دیدار می کنند و پاره هایی از اوستا را می خوانند.

زرتشتیان چندین زیارتگاه دارند که همه آنها در یزد قرار دارند. زیارتگاه «پیرسبز» یا «چک چک» (از ۲۴ تا ۲۸ خرداد)، مهم ترین رسم زیارتی این مردم است. پیر هریشت (۶ تا ۱۰ فروردین) ، پارس بانو (۱۳ تا ۱۷ تیر) و پیر ناکی (۱۲ تا ۱۶ امرداد) از سایر مراسم و زیارت گاه های زرتشتی هستند که تمامی آنها در بهار و تابستان برگزار می شوند.

این زیارتگاه ها، همه بیرون از شهرها هستند و زیارت کنندگان شب نیز در آن جا می مانند. در اطراف هر یک از این زیارت گاه ها، صفه ها، ایوان ها و مطبخ هایی نیز برای توقف چندین روزه خانواده ها ساخته شده است .

سالهای پیش که جاده های مناسب و امن برای رسیدن به این زیارتگاه‌ها وجود نداشت .آیین های خاصی نیز برای رفتن به اینگونه اماکن مقدس توسط زرتشتیان اجرا می شد.همه ساله زرتشتیان بسیاری از سراسر جهان برای زیارت به این جایگاه ها می روند.

بهترین باداش خداوند به کسانی خواهد رسید
که نام نیک از خود به یادگار گذارند (کاتها)

با سپاس فراوان از نیکی‌های وزارت گرامی ارشاد اسلامی به ویژه اداره امور اقلیت ها آقایان سعید تقوی (ریاست گرامی) و سعید محسنی (کارشناس گرامی) که در گشایش دفتر نشر سالنمای راستی واقع در خیابان حافظ پایین‌تر از کریمخان زند اول پل حافظ شمالی نبش شهید ولدی پلاک ۵۲۴ طبقه همکف نهایت همکاری را داشته‌اند سپاسگزاری می نماییم .

دوستداران چاپ و نشر سالنمای زرتشتیان (راستی) جهت همکاری و راهنمایی در بهتر چاپ شدن سالنما که راهی در پیشرفت فرهنگ گاه‌شماری زرتشتیان (ایران باستان)می‌باشد را بهاری می گیریم .

به آگاهی همگان می رساند که سالنمای راستی ثبت شده می باشد و هر گونه تقلید و دهره گیری پیگرد دینی و قانونی دارد .

انجمن ها و سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی که نامشان تا کنون در سالنامه راستی به چاپ رسیده و تغییری در مشخصاتشان پیش آمده است و نیز همکیشانی که مایل می باشند نام آنان در راهنمای پیشه های سال ۱۳۸۴(۳۷۴۳) به چاپ رسد تا پایان شهریور ماه ۱۳۸۳ فرصت دارند به آدرس بالا و یا شماره تلفن‌های ۶۴۶۸۸۱۲ و ۸۹۰۸۲۰۰ و ۸۹۰۸۲۰۰ اطلاع دهند .

پیشاپیش از همکاری شما سپاسگزاریم

نام نیک دوستداران چاپ و نشر سالنمای راستی همواره پایدار باد.

سالنمای راستی ۱۳۸۴ (۳۷۴۳)

دفتر خدمات مشترکین تلفن همراه
۱۱۰۵۳
بامجوز رسمی شرکت مخابرات
خرید - فروش - نقل و انتقال
ضلع جنوب غربی پل سید خندان
تلفن ۸۵۱۲۰۴۰ و ۸۵۱۹۵۰۳
همکار دیپلمه تمام وقت می پذیرد

شرکت نوآهنگ
برگزار کننده جشنها و میهمانی شما
نورپردازی مجالس
اجرای پروژه های تخصصی صدا
همراه ۰۹۱۲۱۰۶۱۸۴۹ سهراب جمشیدیان

دکتر کیقباد بهدین

چقدر به کیفیت زندگی خود اهمیت می‌دهید(۳)

چاقی

...ادامه از شماره پیش

در مواردی که BMI افراد برابر یا بیش از ۴۰ است (یعنی فرد وزنی معادل دو برابر وزن طبیعی خود را دارد)، درمان جراحی برای حصول کاهش وزن مورد نظر توصیه می شود. البته گاهی اوقات در افرادی که BMI بین ۳۵ تا ۴۰ دارند و در عین حال دچار بیماری شدید یا مشکل جسمی عمده (مانند دیابت یا توقف تنفس موقع خواب) هستند یا بیماران چاقی که با رژیمها و درمانهای معمول چاق بهبود نیافته اند ، انجام جراحی مد نظر قرار می گیرد. در اکثر این جراحی ها خوردن غذا محدود می شود و این کار با کاهش ظرفیت معده و باریک کردن محل خروج غذا از معده صورت می پذیرد. این جراحی ها به طور معمول به کاهش وزنی در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از وزن بدن در طول زمان منجر می شود.

چاقی مسلما یکی از بزرگترین معضلات حال حاضر بشر به شمار می آید. همان گونه که اشاره شد اگر از بعد معضلات ناشی از چاقی به بحران نگاه کنیم، اراده ،مسئولیت پذیری ،پول و تبعیض بیشتر از دیگران خودنمایی می کنند . اما از نقطه نظر بهداشتی چاقی یک بیماری به شمار می رود و درمان مناسب می تواند بیمار را در کنترل وزن و در نتیجه ،بهبود کیفیت زندگی کمک نماید، اگر چه برای انجام درمان مناسب برخی از بیماران حتی به مشاوره روانشناسی هم نیاز پیدا می کنند. پس ملاحظه می فرمایید که چاقی یک دشمن سخت و کنه وار به شمار می آید که اگر چه رهایی از آن دشوار است ،کاملا در دسترس و میسر می باشد.

بیماری در کاهش وزن موفق است که در دراز مدت به اصول درمانی متعهد بماند. در درمانهای غیر جراحی چاقی ،درمان با جراحی تفاوتهای زیادی دارد. درمان چاقی با برداشتن آپاندیس تفاوتهای زیادی دارد. بیماری که به آپاندیسیت مبتلاست ،یک باره به بخش اورژانس مراجعه می کند و به سرعت مورد جراحی قرار می گیرد. اگرچه احتمال دارد که این بیمار به عوارض جراحی آپاندیس دچار شود،اما بعید است که پزشک و بیمار دوباره یکدیگر را ببینند. به عکس ،بیمار مبتلا به چاقی پس از این که اولین رژیم خود را شروع کرد لازم است به طور مداوم با پزشک خود در تماس باشد و جهت پی گیری به طور مرتب نزد پزشک خود رفته و در بین نوبتهای ویزیت هم به صورت تلفنی مشکلات و مسایل مربوطه را با پزشک خود در میان گذارند . این همان کاری است که اکثر بیماران از آن دریغ می کنند و با این کار زحمت خود را هدر می دهند .

بدیهی است که آموزش ،کلید پیشگیری و درمان چاقی است. چه کسی به آموزش نیاز دارد؟ تمامی کودکان به آموزش تغذیه نیاز دارند. آموزش چگونه است ؟این آموزش با کتاب و کلاس قابل اجرا نیست. کودکان از بزرگترها الگوبرداری می کنند. پس بزرگترها به آموزش نیاز دارند. اکثر بزرگسالان هم آنچنان به عادات غذایی خود خو گرفته اند که به سختی بتوان آنها را به تغییر آن واداشت. بهترین کار این است که با یک رژیم آموزشی شروع و مزایای یک تغذیهم مناسب را لمس کنند. در واقع ،بسیاری از مشکلات جسمی و عصبی امروزه بشر به سبب تغذیه بد افراد است و تا تغذیه درست و سالم را تجربه نکنید نمی توانید عواقب تغذیه نامناسب خود را درک کنید.

از سوی دیگر ،رابطه پزشک با بیمار نقش حیاتی در موفقیت درمان دارد. رفتار پزشک باید به اندازه ای جذاب باشد که بیمار احساس راحتی کند و بتواند به موقع نیاز به صورت تلفنی یا حضوری با وی مشورت کند. از سوی دیگر ،پزشک باید بداند که بیمار مبتلا به چاقی به طور معمول مدتهاست که از مشکل خود رنج می برد و احتمالا تلاشهای قبلی او با شکست رو به رو شده و از درمان نا امید گشته ولی با وجود این ، دوباره به پزشک مراجعه می کند پس باید با حوصله و به طور کامل آموزشهای لازم را به او منتقل کرد. در این بین نقش کارشناسان تغذیه در آموزش می تواند بسیار موثر باشد.

جشن ساگرد پنجمین سال انتشار امرداد

آغاز پنجمین سال انتشار امرداد طی مراسم ویژه‌ای در سالن دبیرستان فیروزبهرام جشن گرفته خواهد شد.

حضور همه خوانندگان امرداد در این جشن آزاد است.این جشن در نخستین روز از امرداد ماه ساعت ۱۸ تا ۲۰ برگزار می‌شود.

جوایز مربوط به جدول امرداد توزیع نشد

به علت حضور تعداد اندکی از کسانی که پاسخ صحیح به جدول‌های امرداد داده بودند با موافقت باشندگان قرار شد جلسه قرعه کشی جوایز همزمان با جشن سالگرد امرداد در سالن دبیرستان فیروزبهرام برگزار شود .

جشن تیرگان

ایرانیان باستان بر اساس برداشتهای دینی خود از کیش زرتشت پیامبر؛از گریه و زاری واندوه‌خودداری مینمودند بر عکس برای آرامش تن وشادی روان ؛ جشنهای زیادی بر پا می کردند.

داریوش بزرگ در کتیبه ی بیستون چنین نگاشته است:"اهورامزدا را سپاس می گویم که جهاندا آفرید؛مردمان را آفرید؛شادی را آفرید و شادی را برای مردمان آفرید."

بنابر این شادی یکی از پدیده های خداوند بوده که نمود خود را در جشنها و سرورهای مختلف نشان داده است.

نظر خود ایرانی بوده؛جشنهای متعدد ملی و میهنی(نوروز،مهرگان،سده و ....)

مردم ایران بر پایه گردش سال خورشیدی و برابر با فصول چهاگانه و منطبق با آب و هوای این سرزمین بنیان گذاری شده بود وهمه ی ایرانیان نسبت به ادامه یافتن آن دلبستگی شدید داشته وبه یاد نیاکان پرافتخار خود به برگزاری این جشنها می پرداختند .یکی از این جشن ها تیرگان است: این جشن درتیرروز(روز سیزدهم) تیرماه برگزارمی شده است.این جشن مقدس در قدیم میان ایرانیان از شکوه زیادی برخوردار بود وخوشبختانه امروز هم احترام آن بین زرتشتیان همچون روزگاران پیشین است. تیر در اوستا تیشتریه tishtryaدرپهلوی تیشتر stharnام ستاره ای است که تازیان به آن شعرای یمانی گویند ودرزبانهای اروپایی سیریوsirius نامیده می‌شوند. و ستاره باران است.در اوستا نام یکی از ایزدان است

یعنی ایزد باران و ترسالی که چهاردهمین پشت ویژه ی این ایزدمی باشد که در آن شروع پیکار این ایزد با دیو خشکی به شکل شاعرانه ای آورده شده است.

یادوراهای اساطیری و انگیزه های جشن تیرگان:

۱)ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه درباره ی جشن تیرگان چنین می نویسد:

در ایران و توران وقتی افراسیاب بر منوچهر غلبه کرد و او را در طبرستان محاصره نمود قرار شد که حدود(مرز)ایران و توران به واسطه پرش خط سیر تیری معین معلوم شود در این هنگام فرشته ی اسفندارمذ حاضر شد و امرکرد که تیر وکمان بر گزینند آن گاه آرش را که مردی حکیم؛شریف و دیندار بود آوردند. آرش برهنه شد و بدنش را به حاضران نشان داد وگفت:"ای پادشاه ،ای مردم به بدنم بنگرید مرا زخمی و مرضی نیست ولی یقین دارم که پس از انداختن تیربدنم پاره پاره شده و فدای شما خواهم شد " سپس دست به چله ی کمان برد و به نیروی اهورامزد؛ تیر را از شست رها کرد و خود جان به جان آفرین تسلیم نمود. گویند جایی که تیر پرت شد تا جایی که تیر به زمین نشست ۱۰۰۰ فرسنگ فاصله بود و منوچهر و افراسیاب به همین مقدار زمین با هم صلح کردند و آن نقطه مرز میان ایران و توران شناخته شد و این اتفاقها در روز تیرگان رخ داد.

آن جشن در میان زرتشتیان دوره ای ۱۰ روزه داشت یعنی از تیر روز از تیر ماه (سیزده تیر)شروع و به باد ایزدیعنی روز ۲۲ تیر پایان می گرفت. زرتشتیان تیرگان را تیر وجشن نامند(tiru-jasn)و برایش اهمیت فراوان قائلند.در این روز لباس نو می پوشند. نقل وشیرینی ومیوه خوراکی های سنتی می پزند. پیش از جشن خانه را پاکیزه می کنند. بامدادان شستشو(غسل)می کنند خواندن دو نیایش نامی(خورشیدومهرنیایش) از اوستابسیار نیکوست.

۲)نیز درباره ی فلسفه تیر روز نوشته اند :در زمان فیروز جد انوشیروان چند سالی باران نبارید و خشکسالی شد فیروز به آتشکده پارس رفت و نیایش کرد و پس از آن باران فراوان بارید از آن پس در میان ایرانیان چنین مرسوم شد که در چنین روزی به یادآمدن باران؛ به هم آب می پاشیدند این روز به جشن (آب ریزان) هم معروف است.

آن جشن در میان زرتشتیان دوره ای ۱۰ روزه داشت یعنی از تیر روز از تیر ماه (سیزده تیر)شروع و به باد ایزدیعنی روز ۲۲ تیر پایان می گرفت. زرتشتیان تیرگان را تیر وجشن نامند(tiru-jasn)و برایش اهمیت فراوان قائلند.در این روز لباس نو می پوشند. نقل وشیرینی ومیوه خوراکی های سنتی می پزند. پیش از جشن خانه را پاکیزه می کنند. بامدادان شستشو(غسل)می کنند خواندن دو نیایش نامی(خورشیدومهرنیایش) از اوستابسیار نیکوست.

۳)ابوریحان بیرونی در روایتی این جشن را به هوشنگ نسبت می دهد وگوید:در این روز هوشنگ برادرش را بزرگ گردانید و از وی احترام و دوستی مقام کتابت و دبیری را به او بخشید و فرمودمد این روز همه لباس کاتبان پوشند و در آن روزگار تا زمان گشتاسب جهت بزرگداشت امر کتابت و دبیری چنین رسمی همچنان پا بر جا بود.

ابوریحان بیرونی و گردیزی و...از دو تیرگان یاد می کنند:تیرگان بزرگ و تیرگان کوچک روز سیزدهم با تیر روز که تیر رها شده است را تیرگان کوچک گویند ومعتقدندکه تیر جهت طی مسافت۱۰۰۰فرسنگ مدت ۱شبانه روز در راه بود و روز بعد یعنی روز چهاردهم(گوش روز) در زمینی میان فرغانه و تیرستان فرود آمد و صلح برقرار شد و این روز را تیرگان بزرگ نامیدند.

(تیر گان)میان زرتشتیان و مراسم آن:

آن جشن در میان زرتشتیان دوره ای ۱۰روزه داشت یعنی از تیر روز از تیر ماه (سیزده تیر)شروع و به باد ایزدیعنی روز ۲۲ تیر پایان می گرفت.

زرتشتیان تیرگان را تیر وجشن نامند(jasn-tiru)و برایش اهمیت فراوان قائلند.در این روز لباس نو می پوشند. نقل وشیرینی ومیوه خوراکی های سنتی می پزند. پیش از جشن خانه را پاکیزه می کنند. بامدادان شستشو(غسل)می کنند خواندن دو نیایش نامی(خورشیدومهرنیایش) از اوستابسیار نیکوست.

تیر وجشن یکی از شادترین جشنهای کهن ایرانی بوده است که شوربخانه از مراسم این جشن که تا سی سال پیش میان زرتشتیان برگزارمی شد. از نسلی آگاهی می یابیم که رو به خاموشی است.

بیش از همه کس بچه ها در این جشنها بهره می بردند با تارهای نخی و رنگینی که به مچ دست می بستند و در کوچه ها و خانه ها و با مها می دویدند و ترانه می خواندند و در کنار نهرها و جویها به آب می پریدند یا به هم آب می پاشیدند.

منابع:

۱)ما ایرانی هستیم. نوشته ی: سیروس کریمی بختیاری

۲)گاهشماری و جشنهای ایران باستان ، نوشته ی:هاشم رضی

پژوهشگر: منیژه ملکی

مردم کوچه

از پشت کوه آمده ها، جواد شدند

«جواد» اصطلاحی است که جوانان به افراد غیر متجدد و کسانی که آداب و رسوم متناسب با زندگی شهری را نمی دانند، اطلاق می کنند. مثلا می گویند:«یاروخیلی جواده.»

در فرهنگ لغات زبان مخفی» نوشته دکتر سید مهدی سمائی، از این اصطلاح به عنوان اصطلاحی که در «زبان مخفی» میان قشری خاص - جوانان - به کار می رود،یاد شده است. این پژوهشگر درباره چگونگی به وجود آمدن زبان مخفی، در مقدمه کتاب آورده است: «این گونه زبان احتمالا همیشه در کنار زبان معیار بسیاری جوامع وجود داشته است زیرا نیاز به مخفی کردن اسرار و پوشیدن افکار همیشه در جوامع داشته است. بنابراین یکی از دلایل اصلی و عمده ابداع این زبان مخفی نگاه داشتن افکار و مقاصد بوده است. دلیلی که امروزه نیز باعث ساخته شدن این زبان است.»

در این کتاب در برابر اصطلاح «جواد» نوشته شده است: «مردی شبیه روستاییان یا اهالی شهرستان با آداب و رسوم و شیوه سخن گفتن آنان.»

این اصطلاح نه تنها در میان جوانان شایع است بلکه برای آن معادل های فراوانی ساخته شده است و به کار می رود. ابوالحسن، اف جی اس، ام الجواد، بهادر، جواد توترک، اشکول تپه، جوات، جفاد، جواد مخفی، حسن، عباس، عبدالله، علی شاه، غضنفر، فول جواد سیستم و یرقان تپه اصطلاحاتی هستند که معادل «اشکول تپه» هستند و فقط برای مردان غیر متجدد به کار می رود.

برای اصطلاح «جواد مخفی» نوشته شده است: «مردی با ویژگی های روستاییان یا اهالی شهرستان که نتوان ویژگی‌های مذکور را از ظاهرش تشخیص داد؛ جوادی که به ظاهر جواد نباشد.»

اف جی اس: «مخفف فول جواد سیستم» مردی کاملا شبیه به روستاییان یا اهالی شهرستان با حفظ تمام آداب و رسوم و شیوه سخن گفتن آنان.»

اما برای زنانی که «جواد» هستند، هم اصطلاحاتی وجود دارد: «اقدس، ام الجواد، بتول، جواد، جواده، رپ مخفی، زرت، شهلا، منیجه و منیره. در این میان بعضی از این اصطلاحات در تعریف، تفاوت های جزیی دارند ولی در کل همان مفهوم را می رسانند. مثلا در برابر رپ مخفی نوشته شده است:«دختر جوادی که در زیر چادر شلوار جین پوشیده باشد.»

با این که این اصطلاح امروزه در میان جوانان رایج است اما در گذشته نیز معادلی برای این مفهوم وجود داشته است و آن ضرب المثلی بوده است به این اعتبار:«پشت کوهی» یا «از پشت کوه آمده».

در «کتاب کوچه» نوشته احمد شاملو زیر عبارت «از پشت کوه آمدن» ، آمده است: «از آداب و رسوم بی خبر ، تا حد بلاهت، زود فریب و به مفهوم نهایی ، دهاتی بودن.» و برای آن معادل های «هالو چهارشنبه بودن، گل ببو بودن و تقلقلی بودن» را آورده است. در این کتاب زیر مدخل «پشت کوهی» نیز آمده است: «فاقد تمدن. ناآگاه از آداب و رسوم. تربیت نایافته»

در کتاب «ریشه های تاریخی امثال و حکم» نوشته مهدی پرتوی آملی و «امثال و حکم» علی اکبر دهخدا اشاره‌ای به ضرب المثل اخیر نشده است.

Desknote چیست؟

این مقاله توسط پژمان دشتی نژاد ترجمه شده است.

دسک نوتها(!) کامپیوترهایی مابین نوت بوک و کامپیوتر رومیزی می باشند. دسک نوتها طوری طراحی شده اند که به واقع قدرت یک کامپیوتر رومیزی را دارا هستند در ابعاد یک نوت بوک! به دلیل هدف پیدایش دسک نوتها، این گونه از کامپیوتر، دارای باتری نمی باشد و مستقیما می بایست به به برق متصل شوند. هرچند باطری های مخصوص دسک نوت نیز روانه بازار شده است!

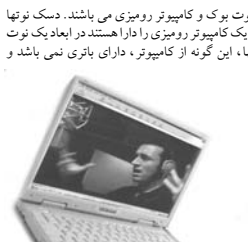

به طور معمول یک کاربر می بایست چیزی حدود ۶ تا ۹ ماه صبر کند تا لپتاپی با قطعات سخت افزاری یک دسکتاپ به بازار عرضه شود. این بدان معناست که اگر امروز در بازار یک دستگاه دسکتاپ با سرعت پردازش جدید ارائه شود، همان سیستم در بازار لپتاپ بین ۶ تا ۹ ماه بعد تولید خواهد شد. بنابراین برای اینکه این فاصله انتظار برای کاربران کاسته و از بین برده شود، شرکتهای تولید کننده کامپیوتری اقدام به ارائه دسک نوت کرده اند.

سوالی که مطرح می شود آنکه کارائی دسک نوتها برای چه کسانی بهتر و مناسب تر است؟ در جواب این سوال می بایست گفت کسانی که از نظر فضای کاری در مضیقه هستند و دارای فضای کافی برای کامپیوتر دسکتاپ خود نمی باشند، انتخاب یک دسک نوت که در ابعاد یک لپتاپ است بهترین انتخاب خواهد بود. مورد دوم برای کسانی که می خواهند قابلیتهای قدرت سخت افزاری یک دسکتاپ را در ابعاد کوچکتر و صد البته قابل حمل داشته باشند، دسک نوت مسلما انتخاب درستی خواهد بود. و دیگر اینکه دسک نوتها علی رغم کوچکی و قابل حمل بودنشان بسیار ارزانتر از نوت بوکها می باشند.

دسک نوتها دارای پورت USB برای اتصال وسایل ورودی و خروجی مثل چاپگر ، دوربین عکاسی ، سی دی رام و غیرو نیز می باشند. بنابراین به راحتی می توانید سیستم خود را به این لوازم مجهز کنید. همچنین دسک نوتها قابلیت اتصال باتری خارجی را نیز دارا می باشند. از مزایای باتری های خارج از سیستم این ست که اولا بر وزن سیستم شما نمی افزاید و ثانیا باعث ایجاد حرارت در داخل سیستم کوچک خود نمی شوند.

دنیای کامپیوتر هر روز با گامی سریع ، لغات بیشتری را وارد فرهنگ لغات ما می کند و ما به عنوان یک کاربر در این دنیای بزرگ دیجیتال می بایست اطلاع کافی از تولیدات جدید نیز داشته باشیم. هدف از این مقاله آشنایی دوستان با خانواده ای جدید از سیستم های کامپیوتری بود که با توجه به نیاز بازار و کاربران توسط بعضی از شرکتهای سازنده ارائه شده است.

yahoo massenger ، beta

نسخه فوق جدیدا به بازار عرضه شد و چند ویژگی آن عبارتست از :

۱-می توانید تعیین کنید که برای یک سری افراد (کاربران) خاموش و برای بقیه روشن باشید.

۲- تمامی آدمکهای (yahoo massenger (ymsgr تغییر کرده و به صورت متحرک و گرافیکی در آمده است.

۳- فقط با یک کلیک امکان گوش کردن به موزیک رادیو وجود دارد.

۴-امکان تغییر و افزایش صورت تمام منوها وجود دارد.

۵-قادربد برای خودتان بسته به جنسیت شکل بسازید و بقیه به جای آدمک yahoo این شکل را برای شما خواهند دید.

۶-...

با استفاده از آدرس زیر می توانید به نسخه جدید ymsgr دسترسی پایید.

http://us.dl1.yimg.com/download.yahoo.com/dl/beta/ymsgrt-beta.exe

در ضمن برای آنکه با چند Id دلخواه به طور همزمان با ymsgr بتوانید Log in کنید به آدرس زیر مراجعه کنید.

http://www.ir web center.com/files/multo-yahoo.zip

فقط دقت کنید قبل از اجرا باید از ymsgr خارج شوید و این فایل را دقیقا در پوشه ای که ymsgr را install کردید بگذارید.

پرنی ناز رستمی

تاریخچه جام جانباختگان زرتشتی

بهاره کیومرثی

نخستین دلاور زرتشتی که پس از انقلاب در راه ایران جان باخت بهانه‌ای بود برای آغاز رقابت‌های ورزشی سالانه و حرکت در میان تیم‌های ورزشی زرتشتیان ایران که در سال ۱۳۵۹ برگزار شد . آن وقت ها نامش را جام شهدا گذاشته بودند . مسابقاتی کوچک با همکاری سازمان فروهر ، انجمن زرتشتیان تهران ، تیم منتخب زرتشتیان و کانون دانشجویان زرتشتی .

آن سال‌ها شاید کسی فکرش را نمی‌کرد این مسابقات ۲۲ سال به صورت مرتب و دائمی برگزار شود، هر چند در میانه راه مشکلات زیادی نیز در سر راه این مسابقات قرار گرفت . خارج شدن سازمان فروهر ، انجمن زرتشتیان تهران و تیم منتخب زرتشتیان از میان برگزارکنندگان نخستین این بازی‌ها به ویژه سازمان فروهر بیشترین ضربه را به سیر تحولی این لیگ نواخت .

به ویژه اینکه سازمان فروهر به عنوان تنها باشگاه ورزشی جامعه زرتشتی که دارای مجوز رسمی بود از فرستادن تیم به این مسابقات نیز پرهیز کرد . تا بالاخره در دوره ۱۵ در پی درخواست باشگاه جوانان زرتشتی یزد از کانون دانشجویان برای بازی جام سازمان فروهر و در پی دوندگی های بچه های کانون دینی سازمان برای آن دوره تیمی را معرفی کرد . بابک سلامتی این موضوع را یکی از شیرین‌ترین خاطراتی عنوان کرد که در آن دوره اتفاق افتاده است که بچه های کانون در عرض چند روز و با سختی زیاد و بطور باور نکردنی توانستند از اداره کل سازمان تربیت بدنی تهران مجوز بگیرند .

برگزاری جام از دوره ۱۴ در بین رشته‌های مختلف به صورت پراکنده در مکان‌های گوناگونی برگزار می‌شد و به عنوان مثال در دوره ۱۲ مسابقات بسکتبال و والیبال در فیروزبهرام برگزار می‌شد و مسابقات پینگ‌پنگ در خود کانون برگزار می‌شد و در دورهٔ ۱۳ ورزشکاران رشته بسکتبال در رستم‌باغ به رقابت می‌پرداختند ، مسابقات دو میدانی توسط هیات دو میدانی استان تهران در ورزشگاه شهید حیدرنیا برگزار می‌شد . و بالاخره در دوره ۱۴ این مسابقات توانست بصورت متمرکز در رستم‌باغ برگزار شود که در آن جا مسابقات با مشکلات زیادی از جمله امکانات بهداشتی نامناسب ، فضای مسکونی رستم‌باغ و طولانی شدن زمان مسابقات باعث ناراحتی ساکنان رستم‌باغ می‌شد و کانون دانشجویان در پی نظرسنجی‌هایی که از مردم به عمل آورد به این نتیجه رسید که باید مکان مسابقات را تغییر دهند و در آن سال‌ها مارکار در حال ساخت بود و کانون این پیشنهادها را در هنگام برگزاری برنامه‌ها در رستم باغ پخش می‌کردند ولی باز در دوره ۱۵ هم جام جان‌باختگان در همان رستم‌باغ برگزار شد ولی بالاخره در دوره ۱۶ با زیباسازی محوطه مارکار مسابقات به مارکار منتقل شد .

دوچرخه‌سواری و بدمینتون از جمله رشته‌هایی بود که در دوره ۱۵ و ۱۶ برگزار شد و در دوره ۱۷ رشته شنا هم به این رشته های ورزشی اضافه شد .

قبل از دوره ۱۴ شهرستانی ها در مسابقات حضور کمرنگی داشتند و این حضور در سال بعد در دوره ۱۵ پررنگ‌تر شد . در این دوره رژه و روشن کردن مشعل و ... برنامه‌هایی بودند که به برنامه‌های دیگر اضافه شد . در این دوره بود که کانون خواست تا جام به صورت یک المپیک برگزار شود در نتیجه در دوره ۱۴ کمیته فنی برای هر رشته ایجاد شد و داوران فدراسیونی برای داوری مسابقات بسکتبال دعوت شدند که در دوره ۱۵ هزینه این داوران توسط یک خیراندیش زرتشتی تقبل شد و داوران فدراسیون برای داوری مسابقات فوتبال توسط کانون دعوت شدند و در این دوره کمیته‌های مختلف دیگری مانند کمیته اجرایی ، روابط عمومی ، ستاد برگزاری ، کمیته نشریات و کمیته جام‌نامه هم تشکیل شد و از آن دوره تا کنون مسابقات جام جانباختگان به صورت منسجم و متمرکز در محوطه مارکار برگزار می‌شود . برای بچه‌های کانون در برگزاری این مسابقات در سال آینده آرزوی موفقیت می‌کنیم .

با اینکه زحمات فراوانی برای برگزاری این جام کشیده می‌شود . اما به دلیل کمبود امکانات و بودجه که در تمامی دوره‌ها برگزارکنندگان با آن روبرو بودند تا کنون نتوانستند آن طور که باید و شاید معرفی کننده جامعهٔ ورزشی زرتشتیان ایران به جامعه بزرگ ایران باشند . که امیدواریم در سالهای آینده با حمایت انجمن ها ، سازمان ها و افراد خیراندیش زرتشتی ، جام جانباختگان بتواند جایگاه واقعی خود را پیدا کند .

آشنایی با ویدئو کنفرانس و کاربرد آن :

ترجمه و تنظیم از: هومن یگانه

سیستم های جدید ویدئو کنفرانس : دارای قابلیت برقراری ارتباط با چند نقطه هم زمان (شامل : تصویر - صدا- دیتا)می‌باشند که بدون نیاز حضور افراد و مدیران در یک مکان فیزیکی می توان ارتباطات چند نقطه ای را برقرار نمود که اصطلاحا به آن Teleconferencing Multi Point می گویند .

ارتباط بین نقاط از چند طریق قابل اجرا است :از جمله شبکه های محلی (LAN) یا شبکه های گسترده یا . (WAN) یا دارا بودن پهنای باند کافی بخاطر ماهیت پروتکل ارتباطی TCP/IP به راحتی از شبکه جهانی اینترنت نیز می توان استفاده کرد . از خصوصیات فنی قابل توجه این سیستم ها مدیریت اتوماتیک پروتکل های H.323 و سری G700 می باشد که بطور خودکار پهنای باند را افزایش و یا کاهش داده تا صدا و تصویر بطور پیوسته و بدون وقفه ارسال و یا دریافت شود . با استفاده از این پروتکل معضل مهم اکو که در اکثریت این سیستم ها وجود دارد بر طرف شده و بطور خودکار عمل Echo cancel انجام می گیرد . برخی از این سیستم ها قابلیت ارسال دیتا را بصورت همزمان فراهم می کند.

برای مثال در جلیسه سخنگوی جلسه در حال نمایش اسلاید های تهیه شده در محیط Microsoft Power Point است می تواند اسلاید های نمایشی را نیز همزمان با تصویر و صوت بطور همزمان به چند نقطه ارسال نماید . نمایش تصاویر دراین گونه تجهیزات معمولا به سه صورت CIF - ACIF - QCIF انجام می گیرد که به ترتیب دارای رزولوشن های ۱۷۶×۱۴۴ - ۳۵۲×۲۸۸ - ۷۰۴×۵۷۶ می باشند . که الگوریتم های تراکمی مانند : MPEG4 - MPEG2 و یا Wavelet نیز برای کاهش پهنای باند مورد نیاز ، مورد استفاده قرار می گیرند که البته پهنای باند مورد استفاده سرعت تصاویر ارسالی رانیز تعیین می کند که در بهترین حالت ۳۰Frome/sec می باشد.

لازم به ذکر است که پروتکل MPEG4 از بهترین کیفیت برخوردار بوده که تمامی تجهیزات موجود این قابلیت را ندارند. ماهیت ارسال تصاویر ویدئویی بصورت زنده بوده و قابلیت mpeg4 بصورت سخت افزاری بدا این گونه تجهیزات مورد استفاده قرار گیرد .

ویدئو کنفرانس به ساده ترین صورت فقط بین دو نقطه از طریق نرم افزارهای موجود مانند Net Meeting به سهولت قابل اجرا می باشد. اما زمانیکه یک ویدئو کنفرانس شامل بیش از دو نقطه باشد احتیاج به یک کنترل کننده مرکزی هست که اصطلاحا به آن Mcu یا Multiu Control می گویند . MCU ها هم بصورت نرم افزاری و هم بصورت سخت افزاری موجود می باشند. MCUهای سخت افزاری از کیفیت بالاتری برخوردار می‌باشند .برای کسب آگاهی های بیشتر در مورد این تکنولوژی می توانید با شماره تلفن ۸۷۰۲۸۰۰-۰۲۱ تماس بگیرید .

مهین و بابک عزیز : پیوندتان خجسته، شادی‌هاتان جاودانه و زندگی‌تان دراز
امرداد

به یاری اهورامزدا
دبیرستان فیروزبهرام برگزار می کند:
کلاسهای ترمی زبان انگلیسی با همکاری
موسسه شکوه مرکزی
این کلاسها جهت ارتقاء علمی دانش‌آموزان عزیز درکلیه مقاطع و کمک به کسب رتبه‌های بالاتر در امتحانات مدارس و کنکور و همچنین دریافت مدرک بین‌المللی زبان انگلیسی دایر می‌گردد.
علاقمندان به حضور در این کلاسها در کلیه سطوح و تمام مقاطع علمی (خردسال، کودک، نوجوان و بزرگسال) می‌توانند طبق برنامه زیر به دبیرستان فیروزبهرام مراجعه فرمایند.
۱- جلسه اولیاء و دانش‌آموزان با مسوولین موسسه شکوه : پنجشنبه ۸۳/۴/۱۱ ساعت ۱۰ صبح
۲- تاریخ آزمون تعیین سطح : ۸۳/۴/۱۳
۳- تاریخ ثبت نام قطعی : ۸۳/۴/۱۵ و ۸۳/۴/۱۶ توسط نماینده موسسه شکوه در دبیرستان
۴- روزهای کلاسهای زبان : شنبه، دوشنبه و چهارشنبه
۵- شروع ترم تابستانی : از تاریخ ۸۳/۴/۲۰
پیروزباشید.
مسوول دبیرستان ، خداداد راسخی خرمی

دکتر فرین میزانیان
دندانپزشک
دکتر کیقباد بهدین
مشاوره تغذیه و رژیم درمانی
اعزام به بیمارستان‌های معتبر اروپا
تلفن: ۸۷۰۰۷۳۸

شلوار تک
پیراهن
پوشک کاوسی
در اندازه های مختلف
پارچه موجود است
سفارشات
کت وشلوار
خیابان سمیه مابین
مفتح و فرصت جنب
بانک سپه پلاک ۴۵
تلفن:
۸۳۰۶۱۹۳

گفتوگاه

به مناسبت فرا رسیدن تیرگان

«تیشتر، ستاره تابان و شکوهمندی که باران می آورد!

یکی از خدایان اساطیری زرتشتی، «تیشتر» نام دارد که «ایزد» تیر ماه است. تیشتر «ستاره تابان و شکوهمند» نخستین ستاره و اصل همه آب ها و سرچشمه ها، باران و باروری است. گفته اند که در دهه نخستین این ماه، تیشتر به صورت مردی پانزده ساله در می آید در دهه دوم به صورت گاو نری و در دهه سوم به صورت اسبی در می آید.

بنا به روایت بندهشن، تیشتر در آغاز آفرینش به این پیکره ها در آمد و باران ایجاد کرد. هر قطره بارانی که وی به وجود آورد به اندازه تشتی شد تا آب به بلندی قامت مردی زمین را فرا گرفت. جانوران موذی به ناچار به سوراخ های زمین فرو رفتند و آنگاه مینوی باد، آب ها را به کرانه های زمین برد و بدین گونه دریای گیهانی را ایجاد کرد.

ابراهیم پور داود در «یشت ها» آورده است: «در تیر ماه، همان ماهی که به اسم تشتر است، این ستاره طلوع می کند. در آخر ماه مذکور در طرف صبح در آسمان دیده می شود، به خصوص در ماه مرداد، پیش از برآمدن خورشید بسیار باشکوه در طرف مشرق می درخشد، در بحبوحه تابستان و فصلی که دل خاک از تشنگی چاک چاک، گیاه ها سوخته و درختان پژمرده، ستور و مردم چشم به بخشایش ایزدی و باران رحمت دوخته، تشتر مانند پیک خدایی سر از گریبان افق بدر کرده، مژده رحمت می رساند.»

در فقره یازده از «تشتریشت» تشتر به اهورا مزدا می گوید: «اگر مردم مرا چنان که سایر ایزدان را می ستایند، نام برده، تعظیم و تکریم به جا می آورند، هر آینه من در موقع معین سال در مدت یک شب یا دو شب یا پنجاه شب بدر آمده خود را به پاکان و نیکان خواهم نمود.»

«جان هینلز» در «شناخت اساطیر ایران» می گوید: «در سرودی که به تیشتر اختصاص دارد، نبرد میان این خدا و دیو خشکسالی بازگو شده است. تیشتر به شکل اسب زیبای سفید زرین گوشی، با ساز و برگ زرین، به دریای گیهانی فرو رفت. در آنجا با دیو اپوش که به شکل اسب سیاهی بود و با گوش و دم سیاه خود ظاهری ترسناک داشت، رو به رو شد. رو در رو سه شبانه روز با هم جنگیدند، اما اپوش نیرومندتر از کار درآمد و تیشتر با «غم و اندوه» به سوی اهورامزدا فریاد برآورد که ناتوانی او از آن است که مردمان نیایش ها و قربانی های شایسته ای بدو تقدیم نکرده اند. آنگاه اهورامزدا خود برای تیشتر قربانی کرد تا نیروی هی اسب، ده شتر، ده گاو نر، ده گوه و ده رود در او دمیده شد. بار دیگر تیشتر و اپوش رو در روی هم قرار گرفتند، اما این بار تیشتر که نیروی قربانی بدو قوت بخشیده بود، از کارزار پیروز بدر آمد و آب ها توانستند بی مانع به مزارع و چراگاه ها جاری شوند. باد ابرهای باران زا را که از دریای گیهانی برمی خاستند به این سو و آن سو راند، و باران های زندگی بخش بر هفت اقلیم زمین فرو ریخت.»

منابع: «یشت ها، جلد اول، تفسیر و تالیف ابراهیم پور داود، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۷۷.

«شناخت اساطیر ایران» جان هینلز، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر آویشن و نشر چشمه، چاپ ششم، پاییز ۱۳۷۹

هر واقعه‌ای در آغاز، به صورت رؤیاست.
کارل سندبرگ

دلنوشته

چگونه باورت کنم

چگونه باورت کنم در این غروب آرزو
در این فضای پر ملال که غم نشسته روبرو

چگونه باورت کنم که پشت عشق خم شده
برای دل سپردنم دگر بهانه کم شده

چگونه باورت کنم دلم به غم صبور شد
تمام حس بودنم به دوزخ تو گور شد

چگونه باورت کنم که غم عشق دیده ام
در اوج قله غرور،سقوط را چشیده ام

چگونه باورت کنم تو از تبار دشمنی
قبیله ات جدا ز من به فکر کشتن منی

چگونه باورت کنم تو قاتل شقایقی
تو جام زهر بی امان برای قلب عاشقی

چگونه باورت کنم که آینه سیاه شد
به پای هرزه بودنت محبتم تباه شد

چگونه باورت کنم تو مظهر خیانتی
به کوچه های زندگی نشانه های ظلمتی

چگونه باورت کنم تو را ز خویش رانده ام
برای بـاقی سفر ز پـا دگر فتاده ام

چگونه باورت کنم که عشق واژگون شده
ز شعر های سرخ من ستاره پر زخون شده

چگونه باورت کنم من از کمر شکسته ام
برای دفتر خاطرات دخیل سبز بسته ام

از یک شاعر ناشناس
با سپاس از: آرمیتا خوشرو

اطلاعیه سومین مسابقه داستان نویسی جایزه ادبی صادق هدایت (۱۳۸۳)

سومین دوره مسابقه داستان نویسی صادق هدایت توسط دفتر هدایت و سایت سخن برگزار می شود. شرایط شرکت در این رقابت ادبی به شرح زیر است:

شرایط شرکت در مسابقه:

هر نویسنده می تواند یک داستان کوتاه منتشر نشده خود را برای شرکت در مسابقه ارسال نماید.

داستان ارسالی نباید از چهار هزار کلمه بیشتر و از هزار کلمه کمتر باشد و به دو روش قابل ارسال است:

الف) ارسال به بخش داستان کوتاه در سایت سخن

ب)ارسال به صندوق پستی ۳۶۵-۱۹۵۸۵ به نام جهانگیر هدایت.

داستان هایی که به این طریق ارسال می شوند لازم است بر یک روی صفحه، به صورت تایپ شده و در سه نسخه فرستاده شود. این آثار در مسابقه شرکت خواهند داشت ولی تنها گزیده ای از آنها بر روی سایت قرار می گیرد.

نویسندگانی که در این مسابقه شرکت می کنند، لازم است توجه فرمایند که تا تعیین برندگان و نیز انتخاب داستان ها برای انتشار در مجموعه آثار برگزیده، از درج داستان ارسالی در کتاب ها، نشریات، سایت های اینترنتی و یا ارسال آن برای مسابقات داستان نویسی خود داری فرمایند. در غیر این صورت داستان ارسالی در مسابقه شرکت داده نخواهد شد.

مهلت ارسال آثار تا انتهای آبان ماه ۱۳۸۳ است. اعلام اسامی برندگان و اهدای جوایز در مراسمی در ۲۸ بهمن ۱۳۸۳ انجام می شود.

هنوز تئاتر حرفه ای نداریم

مصاحبه با آناهیتا اقبال نژاد
مصاحبه از پیمان شیخی

آناهیتا اقبال نژاد بازیگر و کارگردان تئاتر،فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهـــای زیبا دانشگاه تهران در رشته کارشناسی طراحی صحنه و لباس و دانشگاه تربیت مدرس (در رشته ی کارشناسی ارشد کارگردانی) از جمله هنرمندانی است که فعالیت خود را بصورت کاملا آکادمیک آغازکرده هنر تئاتر را بعنوان یک اصل در زندگی خود قرار داده است. وی گذشته از بازیگری و کارگردانی در زمینه ی طراحی صحنه و لباس نیز فعالیتهای چشمگیری داشته است.

اقبال نژاد در بیست و یکمین جشنواره ی تئاتر فجربا بازی در نمایش "روی زمین" بعنوان بازیگر دوم جشنواره برگزیده شد.

از کارهـــای وی می تـــوان به نمایش:بیشته؛روزرستاخیز؛فانوس خیس .تخیراً نمایش های ناتمام و گوش کن اشاره کرد که در سالن شمارهٔ دو مجموعهٔ تئاتر شهر اجرا شد.

پیمان شیخی گفتگویی را با این هنرپیشهٔ تئاتر انجام داده است که با هم می خوانیم:

س :بیشینه ی تاریخی تئاتر در کشور ما به چه زمان باز می گردد؟

ج: عده ای مدعی هستند پیش از اینکه تئاتر در اروپا وجود داشته؛ما ایرانی ها از پیشینه تئاتری برخوردار بوده ایم و این تفکر اشتباهی است.ممکن است که در مراسم آیینی ما چیزهایی مشابه تئاتر اروپایی داشته باشد اما تئاتر نبوده و نیست و تئاتر برای مملکت ما کلالیی وارداتی محسوب می شود.

س :حدود ۹ دهه است که فعالیت حرفه تئاتر به شکل اروپایی در کشورمان جریان دارد؟ چرا هنوز برای این هنر تعریف شغلی وجود ندارد؟

ج :بدلیل اینکه هنوز تئاتر حرفه ای نداریم. چرا که معنی تئاتر حرفه ای این نیست که ما سال های زیادی را صرف فعالیت تئاتری کرده باشیم بلکه تئاتر حرفه ای تئاتری است که افرادی که در آن کار می کنند؛ از طریق آن زندگی کنند و در حقیقت امرار معاش کنند.در حالیکه هیچکدام از ما نمی توانیم مدعی باشیم که با تئاتر زندگی می کنیم.

" ما نمی توانیم مدعی باشیم که با تئاتر زندگی می کنیم"

س :آیا تا بحال راه حلی به نظرتان رسیده که مسئولین از طریق آن به وضعیت کنونی تئاتر بهبود بخشند؟

ج :مسئولین با توجه به جایگاه و موقعیتشان باید تصمیم گیری کنند و ما فقط می توانیم درد دل کنیم که آن هم به جایی نمی رسد اما واقعیت اینجاست که اگر تئاتر در کشور ما حذف شود؛ هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و فقط مشتی انسان عاشق بی قراری میکنند که آن هم مثل هر عشق دیگری به سردی خواهد گرایید و در اثر عشق سرکوب شده هر کدام به گونه ای مریض می شوند.

س :چنانکه مسئولین هنری برای تبلیغات تئاتر سرمایه گذاری مناسب و صحیح انجام دهند در بوجود آمدن تئاترحرفه ای موثر خواهد بود؟

ج: به نظر من تئاتر حرفه ای بسیار ریشه دار تر از این حرف هاست . در کشور انگلستان حتی در مهد کودک ها و مدارس نیز تئاتر به شکل صحیح و دقیق وجود دارد .بنابر این وقتی متی از شکسپیر ۱۰ سال روی صحنه باشد مطمئنا در تمام آن مدت تماشاچی خواهد داشت و بطور کلی دیدن تئاتر برای همه اقشار جامعه بصورت عادت است و نه حرکتی صرفا روشنفکرانه . در صورتیکه در کشور ما تئاتر جزو زندگی مردم نیست.

آیا ما از کودکی تئاتر را می شناسیم . در مدارس ما چه چیزی بعنوان تئاتر به فرزندان ما آموخته می شود. تئاتر برای ما کلالیی ترئینی شده که فقط برای پز دادن از آن استفاده می کنیم ، چرا که مدعی هستیم فرهنگی و از سطح بالای اجتماع هستیم پس تئاتر می بینیم در صورتیکه باید تئاتر در زیر بنای زندگی و جامعه ما قرار گیرد حتی عمیق تر از سیزده بدر یا چهارشنبه سوری .

گر توبه دوای همه اشرار و بدیهاست
ور نیک و بد و جمله ی دنیا همه زیاست
آن را که تفاوت نکند بهر کسی چند
سرچشمه ی پاکی و پلیدی و کژیهاست
آرش نورافروز

«گوش کن» و «ناتمام»

ناتاشا آتش بند

در اردیبهشت و خرداد ۸۳ شاهد اجرای دو نمایش از گروه تئاتر صحنه به نامهای «گوش کن» و « ناتمام» با کارگردانی آناهیتا اقبال‌نژاد در سالن شمارهٔ ۲ مجموعهٔ تئاتر شهر بودیم.

« گوش کن» نوشتهٔ « محمد رضایی راد» به عنوان کاری تک پرسناژ با بازی آناهیتا اقبال نژاد بر روی صحنه رفت. اما این کار در ظاهر کاری تک پرسناژ بود زیرا پرسناژهای زیادی با صداهایشان کار را همراهی و به پیش می بردند. در این کار زنی تنها و خوش بین ناخواسته در شرایطی سخت با واقعیت جامعهٔ بیرون مواجه می شود. جامعه‌ای طماع و بی رحم که تا مغز زندگیش رخنه می کند و زن را در کام خود می کشد.

« ناتمام» نوشتهٔ « محمد چرم شیر» کار دیگری از اقبال نژاد با بازی پرستو گلستانی، آناهیتا اقبال نژاد، الهام پاوه نژاد و سیما تیرانداز بود که به طور همزمان با نمایش « گوش کن» روی صحنه رفت. در « ناتمام» تحت شرایطی خاص راجع به زندگیشان و شرایط نابسامان و تلخ و شیرینی که پشت سر گذاشته بودند صحبت می کردند و هرکدام با در نظر گرفتن شرایط خود راجع به محکومی غایب اظهار نظر می کردند. محکومی که همجنس آنها و شاید به نوعی خود آنها بود.

« گوش کن» و « ناتمام» هر دو زندگی ماشینی، عجیب و ناخواستهٔ معاصر هر کدام از ما است که اقبال نژاد با تزیینی به نمایش آن پرداخته .

لوریک میناسیان

لادن پارسی

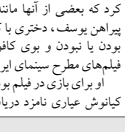

سینمایی خود را از سال ۱۳۶۹ با فیلم به یاد ماندنی پرده آخر ساخته واروژ کریم مسیحی آغاز و در طول فعالیتش در هیجده فیلم بازی کرد که بعضی از آنها مانند پرده آخر، بوی پیراهن یوسف، دختری با کفش های کتانی، بودن یا نبودن و بوی کافور، عطر یاس از فیلم‌های مطرح سینمای ایران هستند.

او برای بازی در فیلم بودن و نبودن ساخته کیانوش عیاری نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش دوم در جشنواره فجر شد. در تلویزیون نیز در سریال پرطرفدار کارآگاه شمسی و دستیارش مادام ساخته مرضیه برومند بازی به یاد ماندنی ارائه کرد.

در مراسم تشییع او پس از انجام مراسم مذهبی میشا هایراپتیان بنیانگذار گروه نمایش آرمن از طرف گروه آرارات این ضایعه دردآور را به جامعه هنردوستان ایران تسلیت گفت و چند دقیقه ای در باره شخصیت و خصوصیات و کارهای هنری او صحبت کرد.

در این مراسم تعدادی از هنرمندان سینما و تلویزیون از جمله مرضیه برومند، پری امیر حمزه، سروش صحت و بهمن مفید بازیگر قدیمی سینمای ایران حضور داشتند.

لوریک میناسیان در ۱۳۴۲ در تبریز متولد شد و در شصت و یکسالگی در بیمارستان دادگستری تهران درگذشت.

فوران

روزهای دور (۴)

داستان بلند

نوشته: ا. خسروی

چهارمین بخش از یک قصه شیرین و باور نکردنی از یک عشق قدیمی. با کاراکترهای زرتشتی و خیالی و یک نویسنده زرتشتی

شخصیت اصلی داستان که هنوز نامش بر ما معلوم نیست د رهواپیما نشسته و بعد از چند سال از آمریکا به ایران برمی گردد . خاطره « شیرین» را زیر و رو می کند . یادش می آید ....یک روز پس از شنیدن صحبت های معلمش می فهمد که فقیری گناه بزرگی است. احساس می کند که به همین خاطر حق ندارد عاشق باشد.اما او عاشق دختری است که پدرش پولدار است. مریض می شود و لاغر هنوز چیزی از این بیماری نگذشته که ماشینی به دوچرخه پدر می زند و در دم جانش را می گیرد . در مراسم چهارم او برادر بزرگتر که به تهران مهاجرت کرده اعلام می کند همه خانواده به تهران خواهند رفت . و اینک دنباله ماجرا:

این یک داستان خیالی است . آدمها و رویدادها خیالی اند. اگر واقعی به نظر می رسند تصادفی است .

چون سخت است در دوتا خونه را باز گذاشتن . میایید تهران اونجا یک کاری می کنیم البته تا مدرسه تعطیل نشده شما اینجا باشید بعد از امتحانات بیایید . مادر حال خوبی نداشت و به حرفهای برادرم نه گوش می داد و نه توجهی می کرد. او در عالم خودش بود . شاید فکر اینکه باید با عروسش زندگی کند رنجش می داد و من هم وقتیکه شنیدم باید بعد از امتحان ثلث سوم بروم تهران هم خوشحال بودم و هم غمگین . خوشحال چون پیش خودم فکر می کردم این چه عذابی است که من باید بکشم و شاید بعد از مدتی که او را ندیدم فراموشش کنم . چون بارها شنیده بودم که (از دل برود هر آنچه از دیده برفت) غمگین از اینکه اگر یک روز شیرین را نبینم چه خواهد شد؟

من احساس می کردم مثل ماهی که به آب احتیاج دارد و اگر آب را از ماهی بگیرند می میرد اگر من هم یک روز شیرین را نبینم می میرم . اصلا نمی توانستم که حتی یکروز او را نبینم . با خود کلنجار می رفتم و نمی دانستم چه کنم . توی دنیا یک آرزو داشتم و آنهم اینکه بدانم احساس شیرین نسبت به من چیست . دلم می خواست یکروز یک جای خلوت او رامی دیدم و به او می‌گفتم که چقدر...نه این دیوانگی است . اصلا امکان ندارد.معلم ریاضی مان چه گفت ؟ رفتار پدر شیرین با من مثل رفتار ارباب است با رعیت . این دل کارش آدم را گمراه کردن است . نه من حق ندارم این فکر احمقانه را بکنم . بخصوص حالا که یتیم هم هستم .

امسال به خاطر مرگ پدرم عید نوروز نداشتیم و همه برای پرسه روز اول عید به خانه ما می آمدند. روز اول عید شیرین همراه کیخسرو به خانه ما آمدند. این اولین باری بود که شیرین به خانه ما می آمد . همینکه وارد خانه ما شد ومن او را دیدم مثل همانروزی شدم که به در خانه شان رفته بودم . لرزیدم و احساس کردم که الان قلبم از جا کنده خواهد شد . نمی دانم رنگ رخسارم چگونه بود. فقط احساس می کردم داغ شدم و صورت و سرم مثل آدمهاییکه تب دارند داشت می سوخت .کیخسرو جلو آمد و به من دست داد و مرگ پدرم را تسلیت گفت و بعد نوبت شیرین شد.

همینکه دست مرا گرفت مثل اینکه برق مرا گرفته باشد لرزیدم و سرم را پایین انداختم و هیچ نگفتم . اصلا حواسم نبود که او چیزی گفت یا نه . خدارا شکر که به غیر از کیخسرو که او هم متوجه نشد کس دیگری نبود وگرنه آبروی من می رفت . مادرم هم رفته بود آشپزخانه که برای آنها چای بیاورد. بعد از آنکه شیرین و کیخسرو رفتند رفتم توی اطاق و دستم را بلند کردم و آهسته گفتم:خداوندا چه خطایی از من سر زده که باید اینجور عذاب بکشم . آخر این چه دردی است که نه می توانم به کسی بگویم و نه اینکه بیش از این تحملش کنم. و ناگهان به گریه افتادم .

از صدای گریه ام مادر متوجه شد و آمد توی اتاق و نوازشم کردو گفت می دانم سخت است غم بی پدری و امسال اولین سالی است که تو پدرت را از دست دادی واقعا جایش خالی است و او هم گریه کرد نمی دانم چرا به یاد سعدی افتادم که

مستی بهانه کردم و چندان گریستم
تـا کس ندانـد کـه گرفتار کیستم

بلندگوی فرودگاه فرانکفورت اعلام کرد که مسافرین تهران به در خروجی شماره ۸ مراجعه کنند. از صدای بلندگو به خود آمدم و آهسته آهسته به در خروجی شماره ۸ مراجعه کردم که صف طولانی جلو آن بسته بودند. داخل صف ایستادم . نفر جلویم تاجری بود که برای تجارت به آلمان آمده بود و می گفت:من کار کردن با آلمان ها رو دوست دارم چون حرفشون حرفه و خلاصه از آلمانها و خودش تا می توانست تعریف کرد تا داخل هواپیما خوشبختانه صندلی های ما بغل هم نبود .

بغل دستی من زن و مرد سیاه پوستی نشسته بودند که با هم به زبان انگلیسی صحبت می کردند و با خودشان گرم صحبت بودند و با من کاری نداشتند. چشم هایم را می بندم . به یزد و شیرین فکر می کنم . بهترین فکری که تمام عمر با من بوده .

روزیکه آخرین امتحانم را دادم با وجودیکه می دانستم با نمرات خیلی خوب قبول می شوم دلم گرفته بود. چون یک هفته قبل نامه ای از برادرم رسیده و نوشته بود موقعیکه امتحان من تمام شدبا مادرم به تهران برویم‌و حتما با یک آشنا و آدرس هم داده بود و چون من تا آنروز تهران را ندیده بودم

...ادامه در شماره آینده

آوایی از دور

تهیه کننده: فریبا سرداری

صدمین سال چخوف

داود رشیدی نمایشنامه «دایی وانیا» چخوف را در صدمین سال درگذشت این نویسنده در نیمهٔ دوم مهر ماه سال جاری به روی صحنه می برد.

مسابقه عکس دانشجویی

دانشگاه صنعتی شریف در مسابقه‌ای به بهترین عکس دانشجویی دیجیتالی که از این دانشگاه گرفته شود، جایزه می دهد . دوستداران می توانندعکس های خود را به نشانی web@sharif.ir ارسال کنند.

ناصرالدین شاه و چکناواریان در موزهٔ سینما

برای نخستین بار در تاریخ سینمای ایران ، فیلم حاجی آقا آکتور سینما با اجرای موسیقی زنده توسط لوریس چکناواریان به نمایش درمی آید . این برنامه ۱۷ تیرماه در موزهٔ سینما واقع در باغ فردوس برگزار خواهد شد.

سینمای ایران در سینما تک

دورهٔ جدید نمایش سینما تک به نمایش فیلم‌هایی کارگردان‌هایی همچون عباس کیارستمی ،بهروز افخمی ،رهبر قنبری و ... اختصاص دارد. این فیلم‌ها ۱۱ ، ۱۳ ،۱۸ و ۲۰ تیر ماه در موزهٔ هنرهای معاصر به نمایش درمی‌آید.

چشم انداز دوم

نمایشگاه عکس «چشم انداز دوم» با آثاری از ناصر تقوایی دربارهٔ شهر آبادان درگالری انار از ۵ تیر ماه برپا می شود .گالری انار در خیابان ایرانشهر ، خیابان بارفروشان ، پلاک ۱۳ واقع است.

هفت سخن از هفت فرزانه

خوانده گرامی :

از این شماره شما شاهد سر فصلی به نام هفت سخن از هفت فرزانه هستید

که به نشانه ی برجوانذ(مقدس) بودن عدد ۷ در باورهای اساطیری مایرانیان تهیه و تنظیم میشود.

با امید به اینکه سخنان این فرزانگان عمل نموده و از زندگی این پر مایه گان‌درس عبرت بیاموزیم.

۱ - نیکی و سود خویش را در زیان دیگران مخواه.
زرتشت

۲-مروزمان به خودی خود بسیاری از نگرانی ها ما رااز میان می برد.
دیل کارنگی

۳-علاقه ای در دنیا شدیدتر ازعشق به وطن نیست.
افلاطون

۴-در تنی نحیف می توانداندیشه ای بزرگ مسکن بگیرد.
بودا

۵-در دنیالذتی که با مطالعه برابری کند نیست.
تولستوی

۶-جایی که سخن باز می ماند موسیقی آغازمی گردد.
واگنر

۷-علم بدون تکامل اخلاقی مخرب وزیان آوراست.
ساموئل

بزرگداشت فیلم ساز ایرانی در اصفهان

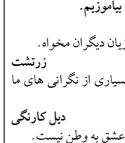

عباس کیارستمی کارگردان صاحب نام ایرانی در روز اول تیرماه ۶۴ ساله شد.به همین مناسبت نمایشگاه عکس این هنرمند در نقش خانه حوزه هنری اصفهان افتتاح شد.

این نمایشگاه ۵۲ قطعه از عکس‌های رنگی و سیاه و سفید فیلمساز را به نمایش می گذارد. نمایشگاه عکس عباس کیارستمی از یکم تا سی‌ام تیرماه در مکان نقش خانه حوزه هنری اصفهان دایر خواهد بود.

کیارستمی هم اکنون برای ساختن فیلم «پلیت» در ایتالیا به سر می برد و برای بزرگداشت سالروز تولدش ، ۲۰ تیرماه به اصفهان می‌رود.همچنین قرار است سالروز تولد این فیلمساز در رسانه‌های بین المللی نیز انجام شود تا جهانیان نیز از آن آگاهی یابند. پیشنهاد انجام این کار توسط محمد شیروانی ـ فیلم ساز جوان کشورمان ـ به حوزه هنری اصفهان داده شده است.کیارستمی متولد اول تیرماه ۱۳۱۹ در تهران است .

او فعالیت های هنری خود را با نقاشی و گرافیک آغاز کرد و در کنار آن به ساختن فیلم‌های کوتاه ، مستند و تبلیغاتی روی آورد.سال ۱۳۴۸ ساختن تیتراژ فیلم قیصر را به عهده گرفت که حرکتی نو در سینمای آن دوران به شمار می‌آمد.

در سال ۱۳۵۶ فیلم گزارش را جلوی دوربین بر . شیوه نگاه کیارستمی به زندگی از همان آغاز با سادگی همراه بودو تا امروز نیز به همان شکل ادامه پیدا کرده است.

سخن

کتاب ها مثل آدم ها هستند

بعضی از کتابها ساده لباس می پوشند و بعضی لباس‌های اتو کشیده و رنگارنگ دارند.

بعضی از کتاب ها برای ما قصه می گویند تا بخوانیم و بعضی قصه می گویند تا بیدار شویم .

بعضی از کتابها تنبل هستند . بعضی از کتابها زیاد می خوابند و همیشه خمیازه می کشند .

بعضی از کتابها شاگرد اول می شوند و جایزه می‌گیرند، بعضی مردود می شوند و بعضی تجدید.

بعضی از کتابها تقلب می کنند و بعضی از کتابها دزدی می کنند.

بعضی از کتابها به پدر و مادر خود احترام می گذارند و بعضی حتی اسمی هم از پدر و مادر خود نمی برند.

بعضی از کتابها هر چه دارند از دیگران گرفته اند و بعضی از کتابها هر چه دارند به دیگران می بخشند.

بعضی از کتاب ها پر حرف اند ولی حرفی برای گفتن ندارند و بعضی ساکت و آرام اند ولی یک عالم حرف گفتنی در دل دارند.

بعضی از کتابها کودکانه و لوس حرف می زنند و بعضی از کتاب ها فقط غر می زنند و نصیحت می کنند.

بعضی از کتاب ها سفید پوستند ، بعضی سیاه پوستند ، بعضی سرخ پوست و بعضی زرد پوست ،بعضی از کتابها به رنگ پوست خود افتخار می کنند و رنگ دیگران را مسخره می کنند.

بعضی از کتاب ها دوقلو یا چند قلو هستند، بعضی از کتابها پیش از تولد می میرند و بعضی تا ابد زنده هستند